

کتاب سموئیل

درس اول

مقدمه‌ای بر سموئیل



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: کتاب سموئیل (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر سموئیل)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پس‌زمینه

نگارش

دیدگاه‌های سنتی

دیدگاه‌های انتقادی

دیدگاه‌های اوانجلیکال

تاریخ

شرایط

(۳) طرح

ساختار و محتوا

مقدمهٔ سموئیل بر پادشاهی (اول سموئیل ۱-۷)

پادشاهی شکست‌خوردهٔ شائول (اول سموئیل ۸ - دوم سموئیل

(۱)

پادشاهی پایدار داوود (دوم سموئیل ۲-۲۴)

هدف اصلی

(۴) کاربرد مسیحی

عهدهای الهی

مقدمهٔ سموئیل بر پادشاهی (اول سموئیل ۱-۷)

پادشاهی شکست‌خوردهٔ شائول (اول سموئیل ۸ - دوم سموئیل

(۱)

پادشاهی پایدار داوود (دوم سموئیل ۲-۲۴)

پادشاهی خدا

تاسیس

تداوم

تکمیل

(۵) نتیجه‌گیری

(۶) واژه‌نامه

مقدمه‌ای بر سموئیل

مقدمه

اکثر ما، راهبرانی از دوره‌های مختلف را می‌شناسیم که برای انجام کارهایی بزرگ و شرافتمندانه تلاش می‌کردند، اما در نهایت دوره آنها با شکست تمام شد. وقتی چنین اتفاقی رخ می‌دهد، اغلب به این فکر می‌کنیم که آینده چه خواهد شد. از بسیاری جهات، این همان اتفاقی است که برای اسرائیلیان باستان رخ داد که نخستین دریافت‌کنندگان کتابی در عهد عتیق بودند که ما اکنون آن را اول و دوم سموئیل می‌نامیم. به آنها گفته شده بود که نسل سلطنتی داوود پادشاه امنیت قوم را تامین می‌کنند، و حاکمیت خدا را تا اقصای زمین گسترش خواهند داد. اما با گذشت زمان، داوود و خاندان او شکست خوردند و بسیاری از اسرائیلیان را در اندیشه آینده وا گذاشتند. نویسنده کتاب سموئیل با هدایت روح‌القدس اعتراف کرد که داوود و نوادگان او باعث آزمایشات زیادی برای اسرائیل شدند. اما او کتاب خود را نوشت تا بار دیگر تایید کند که خاندان داوود همچنان موجب برکات بزرگی برای اسرائیل خواهند شد و پادشاهی خدا را در سراسر جهان گسترش خواهند داد.

این اولین درس از مجموعه دروس «کتاب سموئیل» است و ما آن را «مقدمه‌ای بر سموئیل» نامیده‌ایم. ما در این درس خواهیم که چطور کتاب‌مان ابتدا اسرائیلیان باستان را فرا خواند تا همچنان بر وعده‌های خدا به خاندان داوود امیدوار باشند. و همچنین خواهیم دید که چطور ما را تشویق می‌کند که همه امیدمان برای آینده پادشاهی خدا را بر عیسی، پسر ارشد و کاملاً عادل داوود، قرار بدهیم.

پیش از آنکه جلوتر برویم، باید تصدیق کنیم که امروزه، تقریباً همه مسیحیان این بخش از کتاب مقدس را نه یک کتاب، بلکه به عنوان دو کتاب می‌شناسند. بنابراین ممکن است صحبت از «کتاب» سموئیل در ابتدا عجیب به نظر برسد. اما آثار اوربجن در قرن سوم و جروم در قرن چهارم تایید می‌کنند که اول و دوم سموئیل در اصل کتابی یکپارچه بود. این کتاب احتمالاً اولین بار به دو کتاب تقسیم شد تا با محدودیت‌های طومارهای باستان در ترجمه یونانی باستانی از عهد عتیق که به سبتواجنت معروف است، تناسب داشته باشد. تا آنجا که ما می‌دانیم، اولین متن عبری که سموئیل را به دو کتاب تقسیم کرد، بسیار دیرنگام، زمانی در اوایل قرن شانزده میلادی منتشر شد. به همین دلیل، ما هم از رویه عبری باستان پیروی می‌کنیم و از کتاب - نه کتاب‌های - سموئیل صحبت خواهیم کرد. تنها زمانی که کتاب‌مان با عناوین اول و دوم سموئیل اشاره می‌کنیم که بخواییم به باب و آیه خاصی استناد کنیم.

مقدمه ما بر کتاب سموئیل به سه بخش تقسیم می‌شود. نخست، به بررسی پس‌زمینه کتاب‌مان می‌پردازیم. چه کسی و چه زمانی این کتاب را نوشت؟ دوم، به طرح فراگیر آن نگاهی خواهیم داشت. کتاب سموئیل چرا و چطور

نوشته شد؟ و سوم، کاربرد مسیحی کتاب را در نظر خواهیم گرفت. این کتاب امروزه برای ما چه معنایی دارد؟ بیایید با برخی از مسائل اساسی در پس‌زمینه کتاب شروع کنیم که برای درک کتاب سموئیل ضرورت دارند.

پس‌زمینه

ما بر سه خصوصیت پس‌زمینه کتاب‌مان متمرکز خواهیم شد: نگارش آن، تاریخی که در آن نوشته شد، و شرایط قوم خدا در آن زمان. بیایید ابتدا به نگارش کتاب سموئیل نگاه کنیم.

نگارش

پیرو شهادت مسیح و رسولان و انبیای او در قرن اول، مسیحیان به درستی باور دارند که روح‌القدس کتاب سموئیل را الهام کرده است. بنابراین، این قسمت از کلام خدا فارغ از آنکه چه کسی آن را نوشته، بر تمام قوم خدا در همه اعصار، اقتداری الهی دارد. اما در عین حال، روح‌القدس یک انسان را الهام بخشید تا این کتاب را بنویسد و تا به شرایطی بپردازد که او و دیگر اسرائیلیان باستان در روزگار خود با آن روبرو بودند. هرچه ما بیشتر درباره این نویسنده انسانی بدانیم، بهتر خواهیم توانست درک کنیم که نه تنها چرا خدا کتاب سموئیل را به قوم خود داد، بلکه همچنین او از ما می‌خواهد تا چطور امروزه این کتاب را در زندگی خودمان به کار بگیریم.

برای بررسی نگارش کتاب سموئیل، با دیدگاه‌های سنتی باستان آغاز می‌کنیم. سپس جریان اصلی دیدگاه‌های انتقادی مدرن را خلاصه می‌کنیم. و در آخر، به تعدادی از دیدگاه‌های اخیر اوانجلیکال خواهیم پرداخت که ما را در این درس راهنمایی می‌کنند. بیایید ابتدا دیدگاه‌های سنتی درباره نگارش کتاب‌مان را در نظر بگیریم.

دیدگاه‌های سنتی

مواضع سنتی یهودیان و مسیحیان باستان درباره نگارش کتاب سموئیل، در تلمود بابلی نشان داده شده که ثبت تفسیرها و آموزه‌های سنتی ربانی است. در مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ‌ها درباره کتاب‌های مختلف عهد عتیق، در «رساله بابا باترا ۱۴ ب» اینطور می‌خوانیم:

سموئیل کتابی که نام او را بر خود دارد، و همچنین کتاب داوران و روت را نوشت.

همانطور که در اینجا می‌بینیم، ربای‌های باستان، سموئیل را به عنوان نویسنده کتاب ما همراه با کتاب‌های داوران و روت می‌شناختند. این دیدگاه رویه باستانی یهودیان و مسیحیان در مرتبط ساختن کتاب‌های عهد عتیق با شخصیت‌های برجسته نبوتی را بازتاب می‌دهد.

اگرچه ادعای تلمود به طور گسترده‌ای در زمان‌های قدیم مورد پذیرش بود، اما شواهد مثبت بسیار کمی برای پشتیبانی از این دیدگاه وجود دارد. حال باید اشاره کنیم که اول تواریخ ۲۹:۲۹ به طول‌مراهی اشاره می‌کند که «سفر اخبار سموئیل رای» خوانده می‌شدند. اما به احتمال زیاد، این قسمت به مجموعه‌ای غیر کانی از نبوت‌های سموئیل اشاره دارد؛ مانند «تواریخ ناتان» و «تواریخ جاد» که آنها نیز در کتاب داوران مورد اشاره قرار گرفته‌اند. همیشه باید در نظر داشته باشیم زمانی که اول سموئیل ۱:۲۵ برای تاریخ مرگ سموئیل مقرر می‌کند، پیش از برخی از وقایعی قرار دارد که در تاریخی بعدتر در دوم سموئیل گزارش شده‌اند. بنابراین، در حالی که امکان دارد برخی از مطالب «اخبار سموئیل» یا متون مشابه در کتاب ما گنجانده شده باشد، اما می‌توانیم مطمئن باشیم که شخصی غیر از خود سموئیل نبی نویسنده کتاب مان بوده است.

یکی از چیزهای جالب در مورد عهد عتیق این است که نویسندگان خیلی از کتاب‌ها ناشناس هستند. درباره کتاب‌های اول و دوم سموئیل هم اینطور است. ما واقعا نمی‌دانیم که نویسنده کیست. در اول تواریخ ۲۹:۲۹ سرنخی به ما داده می‌شود که سموئیل و ناتان و جاد هر سه گزارشات مکتوبی از خدمت نبوتی خود به جا گذاشتند. بنابراین، هر کسی که این کتاب‌ها را به شکل نهایی‌شان درآورده، به منابع اصلی، حتی از خود سموئیل، دسترسی داشته است. اما از آنجایی که او در حدود باب ۲۵ اول سموئیل فوت کرد، واضح است که او هر دو جلدی که نام او را بر خودشان دارند کامل نکرده است.

- دکتر هربرت وارد

در روزگار ما، دشوار می‌توان کسی را یافت که دیدگاه‌های سنتی باستانی را در مورد نگارش سموئیل تایید کند. در مقابل، بسیاری از مفسرین دوران مدرن، دیدگاه‌های انتقادی درباره این موضوع را ترویج کرده‌اند - یعنی مواضعی که به طور گسترده در میان محققان مدرنی که اقتدار کامل کتاب مقدس را رد می‌کنند جریان دارد.

دیدگاه‌های انتقادی

همانطور که در مجموعه دروس دیگر مشاهده کردیم، جدیدترین مفسرین انتقادی عمیقا تحت تاثیر دیدگاه‌های مارتین نوت (Martin Noth) قرار گرفته‌اند. کتاب نوت به نام «تاریخ تنبیه‌ای» اولین بار در سال ۱۹۴۳ در آلمان منتشر شد. نوت در این کتاب استدلال می‌کند که کتاب‌های تنبیه، یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان، به استثنای روت، به عنوان یک اثر واحد توسط یک کاتب یا گروهی از کاتبان تکمیل شد. نوت این کاتب یا کاتبان را «تنبیه‌نویس» نامید. به نظر او، تنبیه‌نویس این کتاب‌ها را در دوران تبعید بابلی تالیف کرد. و تمام این تاریخ تنبیه‌ای

تنها یک هدف اصلی داشت. این تاریخ نوشته شد تا نشان بدهد داوری و تبعیدی که گریبانگیر پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهوذا شد، کاملاً سزاوار آنها بود.

دشوار است که انکار کنیم این کتاب‌های عهد عتیق دارای شباهت‌هایی در دایره واژگان، سبک، و دیدگاه‌های الهیاتی خود هستند. بنابراین به طور کلی، محققان منتقد، دیدگاه‌های اصلی نوت را تایید کرده‌اند. اما اخیراً، تعدادی از محققان منتقد دیدگاه نوت را به طرق مختلف تغییر داده‌اند. مهم‌تر از همه، آنها به درستی استدلال کرده‌اند که نوت ویژگی‌های متمایز هر کتاب به طور مجزا را در تاریخ تثبیه‌ای در نظر نگرفته است.

همچنین باید اشاره کنیم که نوت و دیگر مفسران انتقادی استدلال کرده‌اند که کتاب سموئیل حاوی چندین منبع ادبی قابل شناسایی و از پیش موجود است. برای مثال، برخی چنین مطرح کرده‌اند که منبع جداگانه‌ای برای داستان‌های ایلی و سموئیل در باب‌های ۱-۳ اول سموئیل وجود داشته است. بعضی دیگر ادعا کرده‌اند که می‌توانیم یک روایت مستقل و زیربنایی از داستان‌های مربوط به تابوت عهد در باب‌های ۴-۶ اول سموئیل بازسازی کنیم. و برخی هم باب ۶ دوم سموئیل را به همین منبع نسبت داده‌اند. همچنین بسیاری از مفسرین استدلال کرده‌اند که مولف نهایی سموئیل، داستان‌های از پیش موجود له و علیه پادشاهی را در باب‌های ۷ تا ۱۵ اول سموئیل با هم درآمیخته است. و دیگر محققان منتقد ادعا کرده‌اند که چندین داستان جانشین در باب ۹-۲۰ دوم سموئیل و ۱-۲ اول پادشاهان پدیدار می‌شوند. در این دیدگاه، این منبع در اصل توضیح می‌دهد که چرا سلیمان، به جای پسر دیگر داوود به پادشاهی رسید.

اگرچه ممکن است که این منبع یا منابع فرضی مشابهی وجود داشته باشند، اما نمی‌توانیم به طور قطع از وجود آنها مطمئن باشیم. و اشتغال به این مسایل اغلب به تفسیرهای نادرست جدی از کتاب‌مان منجر شده است. خیلی وقت‌ها این دیدگاه‌ها بازتاب‌دهنده اعتقاداتی درباره سیر ایمان اسرائیل است که مغایر کتاب مقدس هستند. و حتی مهم‌تر از این، آنها از تفسیر کتاب سموئیل به شکلی که اکنون به عنوان یک واحد در کانون کتاب مقدس قرار دارد، منحرف شده‌اند.

خوب، محققان به کتاب تثبیه از مجرای پادشاهان نگاه کردند و چیزی را دیدند که واقعا وجود دارد. آنها دیدند که بسیاری از عباراتی که در تثبیه شروع می‌شود، در سراسر یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان دوباره استفاده می‌شوند. صرفاً یک حجم وسیعی از زبان، اصطلاحات، مفاهیم، یک پشتوانه‌ای، یک گونه‌ای، از موجودی تصاویر و عبارات وجود دارد که در این کتاب‌ها استفاده شده و مورد استفاده مجدد قرار گرفته است. واقعا اینطور است. سوال این است که ما چطور این را توضیح می‌دهیم؟ ... یک راه برای پرداختن به مطالبی که در واقع هم‌راستا و پایبند به آن چیزی است که خود متون درباره خودشان ادعا می‌کنند، این است که به این مطالب نگاه کنیم و بگوییم، خوب، کتاب تثبیه در چندین جا ادعا می‌کند که موسی مسئول این مطالب است، و بعد این متن‌های دیگر، همگی بر ژرفای

اهمیت موسی گواهی می‌دهند. بنابراین، فکر می‌کنم این موضوع نباید ما را غافلگیر کند که می‌بینیم موسی همه این زبان را در کتاب تثنیه استفاده می‌کند، و سپس این نویسندگان بعدی را می‌یابیم که پس از موسی آمده‌اند و زبان و مفاهیمی را به کار می‌برند که از تثنیه می‌آموزند و اساساً جهان را از طریق آنچه که می‌توانیم «دریچه» بنامیم توصیف می‌کنند که ریشه در کتاب تثنیه دارد. بدین ترتیب، این راهی است که من این مطالب را توضیح می‌دهم. من فکر می‌کنم یک راه بهتر و کتاب مقدسی‌تر از فرضیه تثنیه‌ای برای توضیح تمام این زبان و تصاویری که از تثنیه نشئت می‌گیرد وجود دارد. من فکر می‌کنم، به احتمال زیاد، موسی تأثیری عمیق داشت که متون هم این را نشان می‌دهند که او چنین تأثیری داشته، و سپس نویسندگان بعدی کتاب مقدس عمیقاً تحت تأثیر شیوه توصیف او قرار گرفتند.

- دکتر جیمز همیلتون

با در نظر داشتن این دیدگاه‌های سنتی و انتقادی در مورد نگارش سموئیل، بیایید به انواع دیدگاه‌های اوانجلیکال معاصر بپردازیم در این مجموعه دروس دنبال خواهیم کرد. اینها دیدگاه‌هایی هستند که به طور گسترده توسط محققان مدرنی که اقتدار کامل کتاب مقدس را تایید می‌کنند، مورد پذیرش قرار دارند.

دیدگاه‌های اوانجلیکال

ویژگی بارز دیدگاه‌های اوانجلیکال این است که ما چشم‌اندازهای مان درباره نگارش را تا جایی که امکان دارد، بر اساس شهادت خود کتاب مقدس شکل می‌دهیم. اما کتاب سموئیل در هیچ کجا، و نه هیچ بخش دیگری از عهد عتیق یا جدید، نویسنده را شناسایی نمی‌کند. نویسنده کتاب ما ناشناس است. بنابراین، نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم که چه کسی کتاب سموئیل را نوشته است. با این حال، وقتی به محتوای کتاب مان نگاه می‌کنیم، می‌توانیم دست کم دو نکته مهم درباره نویسنده آن بیاموزیم.

در وهله اول، باید دقت کنیم که نویسنده سموئیل یک مولف منابع بوده است. یعنی منظور این است که او نشست کتاب خود را از ابتدا یا کاملاً از هیچ بنویسد. در مقابل، او کتاب خویش را با در هم تنیدن ماهرانه مطالب خود و منابع مکتوب پیشین تالیف کرد. حال، باید مراقب باشیم که از دیدگاه‌های اغلب شدیداً نظری محققین منتقد در مورد این موضوعات، اجتناب کنیم. اما می‌دانیم که دیگر کتاب‌های تاریخی کتاب مقدس مانند پادشاهان و تواریخ، به طور مکرر به منابع مکتوبی که نویسندگان شان از آنها استفاده کرده‌اند، استناد می‌کنند. در مورد نویسنده ما نیز به همین ترتیب بوده است.

دست کم دوم سموئیل ۱: ۱۸ صراحتاً به «کتاب» - یا طومار - «یاشر» به عنوان یک منبع مکتوب پیشین اشاره می‌کند. یوشع ۱۰: ۱۳ نیز به همین منبع اشاره می‌کند. به علاوه، تشابهات بین باب ۲۲ دوم سموئیل و مزمو

۱۸ قویا نشان می‌دهد که نویسنده ما یک مزموور معروف درباره «دربار داوود پادشاه» را در کتاب خود گنجانده است. این مثال‌ها نشان می‌دهند که مانند تعدادی دیگر از نویسندگان کتاب مقدس، نویسنده سموئیل نیز منابع مکتوب موجود را در هنگام تالیف کتاب خود به کار گرفت.

آگاهی از اینکه نویسنده ما منابع مختلفی را گردآوری کرده مهم است، زیرا به طرق مختلف بر تفسیر سموئیل تاثیر می‌گذارد. برای نمونه، در درک چندین ویژگی ادبی کتاب سموئیل به ما کمک می‌کند. وقتی ما کتاب‌مان را می‌خوانیم، انکار اینکه قسمت‌های مختلف آن نشان‌دهنده سبک‌های ادبی بسیار متفاوتی هستند، دشوار است. دست‌کم بخشی از این تنوع سبک احتمالاً ناشی از برداشت نویسنده ما از منابع مختلف است. علاوه بر این، استفاده او از منابع همچنین توضیح می‌دهد که چرا سیر داستان یا طرح کتاب ما اغلب آنطور که دوست داریم، روان نیست. گاهی بخش‌های کتاب ما کاملاً از هم گسیخته و بی‌ربط به نظر می‌رسند. استفاده از منابع همچنین به ما کمک می‌کند تا متوجه بشویم که چرا کتاب در مواردی، مطالب مشابه را تکرار می‌کند.

فراتر از این، اتکای نویسنده ما به منابع مکتوب، ارجاعات زمانی ویژه‌ای را که در کتاب‌مان آمده است روشن می‌کند. کتاب سموئیل دست‌کم در هفت مورد اشاره می‌کند که برخی شرایط «تا به امروز» صادق بوده‌اند. همانطور که در مجموعه دروس دیگر دیده‌ایم، همین عبارت در کتاب‌های تثبیه، یوشع، داوران، و پادشاهان نیز وجود دارد. و در برخی از این نمونه‌ها، مانند اول پادشاهان ۸: ۸، عبارت «تا به امروز» واضحاً به زمان یک منبع پیشین، و نه به زمان تالیف نهایی کتاب، اشاره می‌کند. به این دلایل و دلایل مشابه، زمانی که کتاب سموئیل را مطالعه می‌کنیم باید همیشه به یاد داشته باشیم که نویسنده ما منابع مکتوب پیشین را ویرایش و در کتاب خود وارد کرد.

علاوه بر اذعان به اینکه نویسنده سموئیل یک مولف منابع بود، می‌توانیم همچنین اطمینان داشته باشیم که او یک راهبر در اسرائیل باستان نیز بوده است. ما از این حقیقت می‌دانیم نویسنده‌مان یک فرد معمولی نبوده است که به مطالب مکتوبی مانند کتاب مقدس، کتاب یاشر و گزارشات دربار سلطنتی دسترسی داشت. در روزگاران باستان، دسترسی به این نوع متون مختص اشراف بلندپایه و لایوان بود. بنابراین، نویسنده ما به طور قطع در میان راهبران معاصر خود در اسرائیل، یا در خدمت مستقیم به آنها بود.

هنگامی که کتاب سموئیل را بررسی می‌کنیم، موقعیت اجتماعی نویسنده ما انتظارات مهمی را پیش روی‌مان قرار می‌دهد. برای نمونه، خیلی زود آشکار می‌شود که نویسنده ما یکی از راهبران اسرائیل بوده که برای دیگر راهبران قوم نوشته است. او کتاب خود را برای مطالعه مستقیم از سوی یک اسرائیلی معمولی نوشت. ادبیات در اسرائیل باستان به طور گسترده منتشر و توزیع نمی‌شد. و حتی اگر طول‌ماهای کتاب سموئیل به طور گسترده در دسترس بوده‌اند، اکثر اسرائیلیان نمی‌توانستند آنها را بخوانند. این وظیفه اشراف، لایوان، بزرگان، و دیگر راهبران بود که با کتاب او آشنا شوند و مطالب آن را در زندگی اسرائیلیان عادی منتشر کنند و به کار بگیرند.

علاوه بر این، حقیقت مذکور که نویسنده ما یکی از راهبران بود که برای راهبران دیگر می‌نوشت به ما کمک می‌کند تا موضوع منافع ملی در کتاب او را درک کنیم. حال، کتاب سموئیل مطمئناً به چالش‌هایی می‌پردازد که مردان، زنان، و کودکان عادی روزانه با آنها روبرو می‌شدند. اما نویسنده ما به عنوان یک راهبر در اسرائیل، در درجه اول به مسائل سیاسی و مذهبی ملی توجه داشت که اسرائیل به عنوان یک کل واحد با آنها مواجه بود. و ما باید تفسیرمان از کتاب او را به سوی این نوع مسائل سوق بدهیم.

بعد از نگاه به موضوع نگارش کتاب سموئیل، باید اکنون به سراغ بعد دوم پس‌زمینه آن برویم: یعنی تاریخ تالیف نهایی کتاب. کتاب سموئیل در چه زمانی نوشته شد؟

تاریخ

پیش‌تر اشاره کردیم که مفسران، دوره‌های زمانی متفاوتی را برای کتاب سموئیل شناسایی کرده‌اند. یهودیان و مسیحیان باستان، تاریخ کتاب ما را بسیار نزدیک به زمان رویدادهایی که گزارش می‌کند، یعنی زمانی در حدود قرن ۱۰ ق. م. قرار می‌دادند. در نقطه مقابل، اکثر محققین منتقد امروزی، استدلال می‌کنند که کتاب ما در طی دوره تبعید بابلی به شکل نهایی خود رسید. حال، امکان تشخیص دقیق اینکه کتاب سموئیل در چه زمانی کامل شده است وجود ندارد. اما مانند بسیاری از کتاب‌های عهد عتیق، می‌توانیم زود هنگام‌ترین و دیر هنگام‌ترین تاریخ‌های ممکن برای زمان تکمیل کتاب از سوی نویسنده را تعیین کنیم.

بیاید با دیر هنگام‌ترین تاریخ ممکن که احتمالاً سموئیل کتاب خود را نوشته آغاز کنیم. بهترین راه برای تعیین این محدوده زمانی، توجه به جایگاه آن در آنچه است که تاریخ آغازین اسرائیل خوانده می‌شود. این، تاریخی است که در کتاب‌های پیدایش تا پادشاهان، به استثنای کتاب روت، ثبت شده است. این کتاب‌ها با یکدیگر یک زنجیره به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند، چون هر کتاب از جایی آغاز می‌شود که کتاب پیشین به پایان می‌رسد.

پنج کتاب اول - پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، و تثنیه - از دوران موسی به جا مانده‌اند و حلقه‌های اولیه زنجیره تاریخ آغازین را تشکیل می‌دهند. مابقی کتاب‌ها - یوشع، داوران، سموئیل، و پادشاهان - بخش تثنیه‌ای بعدی این تاریخ را شکل می‌دهند. این کتاب‌ها وابستگی شدیدی به دیدگاه‌های الهیاتی کتاب تثنیه دارند. کتاب یوشع با مرگ موسی آغاز می‌شود و تا مرگ یوشع ادامه پیدا می‌کند. کتاب داوران ما را به وقایع فراسوی مرگ یوشع می‌برد. کتاب سموئیل با ظهور مردی به همین نام، به عنوان آخرین داور اسرائیل شروع می‌شود و با سلطنت داوود به پایان می‌رسد. کتاب پادشاهان از جایی آغاز می‌شود که کتاب سموئیل پایان می‌یابد، و با مرگ داوود شروع می‌کند و با تبعید بابلی تمام می‌شود. حال، وقتی کتاب سموئیل را با باب‌های آغازین کتاب پادشاهان مقایسه می‌کنیم، یک چیز مشهود است: نویسنده پادشاهان از گزارش زندگی داوود به همان شکلی که در کتاب سموئیل ثبت شده بود، خبر داشت. و این نکته قویاً نشان می‌دهد که سموئیل باید پیش از نگارش پادشاهان تکمیل شده باشد.

مشاهده این نکته اهمیت دارد، زیرا می‌توانیم تا حدودی اطمینان داشته باشیم که کتاب پادشاهان چه زمانی نوشته شده است. این کتاب در دوم پادشاهان ۲۵: ۲۷-۳۰ با آزادی یهوایکیم، نواده سلطنتی داوود، از اسارت بابل در سال ۵۶۱ ق. م. به پایان می‌رسد. به علاوه، کتاب پادشاهان صحبتی از بازگشت اسرائیل از تبعید بابل در سال ۵۳۸ ق. م. نمی‌کند. به همین دلایل، می‌توانیم از یک اطمینان منطقی برخوردار باشیم که کتاب پادشاهان بین سال‌های ۵۶۱ ق. م. و ۵۳۸ ق. م. نوشته شده است. و از آنجا که کتاب سموئیل پیش از کتاب پادشاهان تکمیل شده بوده است، می‌توان اینطور نتیجه گرفت که دیرهنگام‌ترین تاریخی که کتاب سموئیل می‌توانسته تکمیل شده باشد، در سال ۵۳۸ ق. م. و پیش از پایان تبعید بابلی بوده است.

دشوار است که بدانیم اول و دوم سموئیل دقیقاً چه زمانی نوشته شد و چه زمانی به شکل نهایی خودش رسید. اما وقتی که به اول و دوم سموئیل در پرتو کل عهد عتیق نگاه می‌کنیم، نشانه‌های اندکی وجود دارد که دست‌کم می‌تواند دیرهنگام‌ترین تاریخ ممکن برای شکل‌گیری نهایی کتاب را به ما بدهد. زمانی که به کتاب اول تواریخ نگاه می‌کنیم، در واقع مقدار زیادی از کتاب‌های اول و دوم سموئیل وام گرفته و نشان می‌دهد که از آن آگاهی داشته است. و از آنجایی که اول تواریخ و دوم تواریخ در دوره پسا تبعید نوشته شده بودند، یعنی زمانی که تبعیدیان به اورشلیم برگشته بودند، بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که مطمئناً قبل از آن در شکل نهایی خودش وجود داشته... اما نشانه‌های دیگری را هم در سراسر کتاب مقدس درباره آگاهی از عناصر مختلف می‌بینیم که در کتاب‌های اول و دوم سموئیل دیده می‌شوند. آگاهی از عهد داوودی وجود دارد که مثلاً در مزمو ۸۹ منعکس شده... بنابراین، مطمئناً آگاهی نسبت به روایات متداولی وجود دارد که در کتاب‌های اول و دوم سموئیل می‌بینیم و به نظر می‌رسد در دوره‌های پیشا تبعید، حین تبعید، و پسا تبعید، یک آگاهی وجود دارد. اما از نظر زمانی که کتاب شکل نهایی خود را پیدا کرده، بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که قبل از دوران پسا تبعید تالیف شده است.

- دکتر اندرو ابرنتی -

با در نظر داشتن این دیرهنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تبعید بابلی، باید به زودهنگام‌ترین تاریخ ممکن که کتاب سموئیل می‌توانسته تالیف شده باشد رجوع کنیم. همانطور که خواهیم دید، محتوای کتاب سموئیل قویاً نشان می‌دهد که نمی‌توانسته زودتر از دوره تقسیم پادشاهی نوشته شده باشد.

همانطور که کتاب مقدس به ما می‌گوید، در ۹۳۰ ق. م. یربعام اول اسباط شمالی اسرائیل را در طغیانی علیه خاندان داوود راهبری کرد. طغیان او به شکل‌گیری پادشاهی شمالی اسرائیل - یا همانطور که غالباً به آن افرایم می‌گفتند - در کنار پادشاهی جنوبی یهودا منجر شد. و در موارد متعدد، نویسندگان سموئیل نشان داد که از این تقسیم قوم خدا به دو پادشاهی آگاه بوده است. برای نمونه، اول سموئیل ۱۱: ۸ بین «بنی اسرائیل... و مردان یهودا» تمایز

قائل می‌شود. اول سموئیل ۱۸: ۱۶ اظهار می‌کند که «تمامی اسرائیل و یهودا داوود را دوست می‌داشتند.» به طریقی مشابه، در دوم سموئیل ۵: ۵ می‌خوانیم که داوود «بر تمامی اسرائیل و یهودا سلطنت نمود.» در دوم سموئیل ۱۲: ۸ خدا گفت که «خاندان اسرائیل و یهودا» را به داوود عطا کرده است. دوم سموئیل ۲۱: ۲ به غیرتی که شائول «برای اسرائیل و یهودا داشت» اشاره می‌کند. و در دوم سموئیل ۲۴: ۱ می‌بینیم که همه این اسباط به عنوان «اسرائیل و یهودا» توصیف شده‌اند. تکرار این تمایز بین اسرائیل و یهودا قویا نشان می‌دهد که نویسنده سموئیل نمی‌توانسته کتاب خود را تا پیش از تقسیم اسرائیل و یهودا در سال ۹۳۰ ق. م. بنویسد.

وقتی همه این عوامل را در نظر بگیریم، می‌بینیم که زود هنگام‌ترین تاریخ ممکن برای تکمیل کتاب ما زمانی در حین پادشاهی تقسیم‌شده، پس از سال ۹۳۰ ق. م. بوده است. و دیر هنگام‌ترین تاریخ احتمالی زمانی در حین تبعید بابلی، پیش از ۵۳۸ ق. م. بود.

تا به اینجا، نگارش و تاریخ کتاب سموئیل را مورد بررسی قرار دادیم. اکنون بیایید به یکی دیگر از ویژگی‌های پس‌زمینه این کتاب بپردازیم: شرایطی که قوم خدا در زمان نگارش این کتاب با آن روبرو بودند.

شرایط

نویسنده سموئیل به عنوان یک راهبری که به کتاب مقدس دسترسی داشت، بسیار آگاه بود که شرایطی که او و مخاطبانش با آن مواجه بودند، به یک بحران بزرگ ایمان منجر شده بود. از یک سو، او تاریخ آنان را می‌دانست. خداوند آدم و حوا و بعدا نوح را مامور کرده بود تا زمین را برای خدمت به او پر کنند. خدا ابراهیم و فرزندان او را فرا خوانده بود تا در انجام این ماموریت جهانی پیشگام شوند. به علاوه، خدا موسی را تعیین کرده بود تا قوم او را متحد کند و آنها را در سرزمینی قرار دهد که ملکوت خدا از آنجا در سراسر جهان گسترش خواهد یافت. و بیشتر از این، خدا داوود و خاندانش را به عنوان خاندان دائمی بر اسرائیل قرار داده بود که آنها را در اجرای هدف او راهبری می‌کرد.

اما از سوی دیگر، زمانی که نویسنده سموئیل کتاب خود را نوشت، شرایطی که قوم خدا با آن روبرو بودند به راحتی با امیدهایی که به خاندان داوود بسته بودند مطابقت نداشت. مطمئناً، سرزنش فراوانی برای دولت وحشتناک اسرائیل در زمان پادشاهی تقسیم‌شده و تبعید بابل وجود داشت. اما کتاب مقدس گناهان خاندان داوود، به ویژه بت‌پرستی و عدم وفاداری به خدا را سرزنش می‌کند. متونی مانند اول پادشاهان ۱۱: ۲۹-۴۰ و ۱۲: ۱-۲۴، مسئولیت پادشاهی تقسیم‌شده را مستقیماً بر شانه‌های خاندان داوود قرار می‌دهند. و متونی مانند دوم پادشاهان ۲۰: ۱۲-۱۹ و ۲۱: ۱۰-۱۵ نشان می‌دهند که تبعید بابلی همچنین عمدتاً نتیجه قصورهای خاندان داوود بود.

قصورهای خاندان داوود، ایمان قوم خدا را تا به ریشه‌های آن متزلزل ساخت. از آنجا که داوری خدا امیدهای آنان را بر باد داده بود، آنها حیران بودند که چطور می‌توانند به خاندان داوود اعتماد کنند. احتمالاً خدا به داوود و

نوادگان او پشت کرده بود. شاید آنها در تمام طول این مدت اشتباه می‌کرده‌اند. و در این شرایط مشکل‌آفرین بود که خدا سموئیل را برای نوشتن کتاب خود فرا خواند. او نوشت تا امید اسرائیل به خاندان داوود را احیا کند.

حال که به پس‌زمینه کتاب سموئیل نگاه کردیم، باید به دومین موضوع عمده این درس بپردازیم: طرح کتاب‌مان. نویسنده سموئیل کتاب خود را چگونه شکل داد؟ او چگونه عامدا محتوای آن را برای پرداختن به شرایطی که خود و مخاطبان اصلی‌اش با آن روبرو بودند ترتیب داد؟ و این کتاب چگونه امیدی به قوم خدا ارائه می‌دهد؟

طرح

در حین پرداختن به طرح کتاب سموئیل، باید در نظر داشته باشیم که نویسنده ما، گویی بین دو جهان قرار داشت. جهان وقایعی که توصیف کرد و جهانی که او و مخاطبان اولیه‌اش در آن زندگی می‌کردند. او خود را وقف آن ساخت که گزارشی حقیقی از آنچه در گذشته رخ داده بود ارائه دهد. اما او همچنین خود را وقف این نیز ساخت که درباره گذشته به شیوه‌هایی بنویسد که مردم اسرائیل معاصر خود را نیز خطاب قرار دهد. متاسفانه، مفسران اوانجلیکال معمولاً هنگام پرداختن به کتاب سموئیل، در ایجاد این تمایز اهمال می‌کنند. بنابراین، قبل از آنکه پیش‌تر برویم، باید چند لحظه‌ای را به توضیح این دو تاثیر در طراحی کتاب‌مان اختصاص بدهیم.

از یک سو، تحت الهام روح‌القدس، نویسنده سموئیل مصمم بود تا به مخاطبان خود گزارشی حقیقی از آنچه مدت‌ها پیش از نگارش کتابش رخ داده بود ارائه دهد. او درباره چیزی نوشت که ما «آن جهان» می‌نامیم، یعنی جهان وقایع تاریخی‌ای که در کتاب خود از آنها خبر داده است. اولین رویدادی که او ثبت کرد، تولد سموئیل در اول سموئیل ۱: ۱-۲۸ بود. شواهد کتاب مقدسی و باستان‌شناسی نشان می‌دهند که سموئیل زمانی در حدود سال ۱۰۷۰ ق. م. به دنیا آمد.

و آخرین رویداد تاریخی که از آن خبر داد، واپسین سخنان داوود در دوم سموئیل ۲۳: ۱-۷ بود. این سخنان به احتمال زیاد یکی از آخرین اعلامیه‌های رسمی شاهانه داوود بود که نزدیک به زمان مرگ او در حدود سال ۹۷۰ ق. م. ایراد شد. بنابراین، کتاب سموئیل گزارشی از حدوداً یک قرن تاریخ اسرائیل، از حدود ۱۰۷۰ ق. م. تا حدود ۹۷۰ ق. م. را ارائه می‌دهد.

دشوار می‌توان در اهمیت این قرن برای بسط پادشاهی خدا در دوران عهد عتیق اغراق کرد. این قرن یک دوره گذار بزرگ در اسرائیل بود. زمانی که سموئیل متولد شد، اسرائیل تحت راهبری شکست‌خورده داوران و لاویان، در آشفتگی قرار داشت. اما زمانی که داوود آخرین سخنان خود را بیان کرد، خدا داوود و فرزندان او را به عنوان یک سلسله پایدار بر تمام اسباط اسرائیل مقرر ساخته بود. نویسنده سموئیل کتاب خود را طراحی کرد تا توضیح دهد که چگونه تعدادی از رویدادهای مهم منجر به این تغییرات چشمگیر در اسرائیل شدند.

همانطور که اندکی پیش‌تر گفتیم، رویدادهایی که در کتاب سموئیل ثبت شده‌اند، همگی بخشی از آنچه بودند که ما «آن جهان» نامیدیم. اما از سوی دیگر، نویسنده سموئیل همچنین مصمم بود به زمان و شرایطی که مخاطبین اولیه او در آن زندگی می‌کردند نیز بپردازد. ما این را «جهان آنها» می‌نامیم، یعنی دنیای نویسنده و مخاطبانش، مدت‌ها پس از دوره تاریخی‌ای که در کتاب او گزارش شده است. چه در دوران پادشاهی تقسیم‌شده و چه طی دوره تبعید بابلی، نویسنده ما درباره آنچه در «آن جهان» اتفاق افتاده بود نوشت تا به قوم خدا اهمیت آن را برای «جهان آنها» تعلیم بدهد. و همین هدف، عمیقاً طرح کتاب او را شکل داد. او به جای نگارش یک ثبت تاریخی واضح و مفصل از گذشته، گزارش خود را به گونه‌ای تالیف کرد که در مورد چالش‌های پیش روی مخاطبان اولیه صحبت کند.

مانند دیگر نویسندگان کتاب مقدسی، نویسنده سموئیل نیز این کار را از سه راه عمده انجام داد. نخست، او پس‌زمینه‌های تاریخی را به مخاطبان اصلی خود ارائه کرد - یعنی ریشه‌های تاریخی واقعیت‌هایی که در زمان خود با آنها روبرو بودند. دوم، او شخصیت‌هایی را در کتاب خود توصیف کرد که تا به مخاطبین خود نمونه‌هایی برای پیروی یا طرد ارائه بدهد. و سوم، او درباره تعدادی از رویدادها در «آن جهان» نوشت که نشان می‌دادند چطور پیش‌سایه‌هایی از تجربیات مخاطبین او در «جهان آنها» هستند. به این ترتیب، او برای چالش‌هایی که مخاطبین اولیه وی با آنها مواجه بودند، یک راهنما ارائه کرد.

ما طرح کتاب‌مان را طی دو مرحله بررسی خواهیم کرد. ابتدا، به معرفی ساختار و محتوای کلی آن می‌پردازیم. و دوم، خواهیم دید که چطور این ساختار و محتوا هدف اصلی نویسنده ما در کتابش را آشکار می‌کنند. بیایید با مروری بر ساختار و محتوای کتاب سموئیل شروع کنیم.

ساختار و محتوا

کتاب سموئیل به قدری پیچیده است که می‌توان به راحتی در جزئیات زیاد آن گم شد - آنچنان گم که نتوانیم ببینیم چقدر دستچین شده و ماهرانه مدون شده است. در واقعیت، نویسنده سموئیل تنها در مورد چند فرد و رویداد نوشت، و آنها را با دقت طوری ترتیب داد که به اهداف خود برسد. هرچه بیشتر از این ویژگی‌های کتاب‌مان آگاه باشیم، بهتر می‌توانیم معنای اصلی و نحوه به‌کارگیری آن در زندگی امروزی‌مان را درک کنیم.

به طور کلی، روح خدا نویسنده کتاب ما را هدایت کرد تا بر سه شخصیت اصلی متمرکز شود: سموئیل، شائول، و داوود. و او همچنین نویسنده ما را هدایت کرد تا چند ارتباط منطقی بین این شخصیت‌ها ترسیم کند. نویسنده ما با این حقیقت شروع کرد که خدا سموئیل را به عنوان کسی تعیین کرده بود که اسرائیل را وار عصر پادشاهی می‌ساخت. سپس او بر این مسئله متمرکز شد که چطور شائول به عنوان اولین پادشاه اسرائیل، شکست خورد. و در پایان، نشان داد که خدا پادشاهی و خاندان داوود را به عنوان ابزاری برای تقویت و گسترش پادشاهی

خود مقرر ساخته بود. این سه بخش در کنار یکدیگر، ارزیابی منسجم نویسنده ما از اینکه خدا چگونه اسرائیل را از دوران داوران به دوره پادشاهی وارد ساخت، نشان می‌دهند.

ساختار ادبی اول و دوم سموئیل واقعا حول محور سه پادشاه، یا باید بگوییم سه شخصیت، می‌چرخد. سموئیل شخصیت اصلی است... سپس شائول تبدیل به شخصیت اصلی می‌شود. داوود وارد صحنه می‌شود... اما شائول همچنان در حالی که دور کشور در تعقیب داوود است شخصیت اصلی باقی می‌ماند، و سرانجام در پایان اول سموئیل او کشته می‌شود، و بعد دوم سموئیل حول محور داوود شکل می‌گیرد. بنابراین، در واقع این سه شخصیت هستند که ساختار هر دو کتاب را شکل می‌دهند.

- دکتر جان ازوالت

با در نظر داشتن این نکات برجسته کتاب‌مان، می‌توانیم ببینیم که به طور کلی کتاب سموئیل در سه بخش اصلی نوشته شد: مقدمه سموئیل بر پادشاهی در اول سموئیل ۱-۷؛ پادشاهی شکست‌خورده شائول در اول سموئیل باب ۸ تا دوم سموئیل باب ۱؛ و پادشاهی پایدار داوود در دوم سموئیل ۲-۲۴. بیایید ابتدا به مقدمه سموئیل بر پادشاهی نگاه کنیم.

مقدمه سموئیل بر پادشاهی (اول سموئیل ۱-۷)

از همین ابتدا، توجه به این نکته اهمیت دارد که نویسنده ما، به سموئیل جنبه‌ای ایده‌آل بخشید. یعنی، از او به عنوان هدیه‌ای معجزه‌آسا از سوی خدا و به عنوان مردی با شخصیت اخلاقی نمونه تجلیل کرد. بر اساس کتاب ما، سموئیل به قدری ایده‌آل بود که خدا نه تنها خود او را، بلکه تمام اسرائیل را نیز از طریق او برکت داد. البته، هم نویسنده ما و هم مخاطبین اولیه او از طریق کتاب مقدس و تجارب مشترک می‌دانستند که سموئیل یک گناهکار بود. بنابراین، می‌توانیم مطمئن باشیم که آنها از پیچیدگی‌های شخصیت اخلاقی سموئیل آگاه بودند. اما نویسنده ما به جای اشاره به اشتباهات سموئیل، عمدا سموئیل و خدمت او به خدا را برجسته ساخت. او چنین کرد تا تاکید کند که چرا خدا سموئیل را به عنوان کسی که پادشاهی را ابتدا با مسح شائول و سپس با مسح داوود به اسرائیل شناساند، تجهیز و تایید کرد.

سال‌های ابتدایی سموئیل (اول سموئیل ۱: ۱-۲: ۱۱). این تصویر بسیار ایده‌آل از سموئیل، به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. نخست، در اول سموئیل ۱: ۱-۲: ۱۱، گزارشی از سال‌های ابتدایی سموئیل از زمان تولد تا زمان از شیر گرفته شدن او می‌بینیم. نویسنده ما در این باب‌ها تاکید کرد که تولد سموئیل پاسخ معجزه‌آسای خدا به مادر پاکدامن او بود و اینکه او دوره جدیدی را برای اسرائیل رقم زد.

کتاب سموئیل با مردی به نام القانه شروع می‌شود که دو همسر داشت، یکی حنا و یکی فننه. فننه فرزندان زیادی داشت اما حنا نازا بود و از همین رو، فننه حنا را مورد ظلم و اذیت قرار می‌داد. حنا در اندوه خود دعا و نذر کرد که اگر خدا پسری به او بدهد، او را تا آخر عمر وقف خدمت خدا کند. و خدا به طریقی معجزه‌وار، دعای او را پاسخ داد.

زمانی که سموئیل متولد شد، اسرائیل در پوچی زمان داوران گم شده بود؛ دوره‌ای که هرج و مرج و تباهی، مشخصه آن بود. اما با آمدن سموئیل، دلیل خوبی برای این باور وجود داشت که خدا در شرف فرستادن یک پادشاه به اسرائیل است. ما این امید را در ۲: ۱۰ می‌بینیم که حنا، ستایش خود از خدا برای تولد سموئیل را با این کلمات به پایان برد:

آنانی که با خداوند مخاصمه کنند، شکسته خواهند شد. او بر ایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد. خداوند، اقصای زمین را داوری خواهد نمود، و به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید (اول سموئیل ۲: ۱۰).

در زمانی که اسرائیل با آشفتگی داخلی و مشکل مهاجمان خارجی روبرو بود، حنا ایمان قابل توجهی از خود نشان داد. تولد معجزه‌آسای سموئیل به او اطمینان بخشید که «آنانی که با خداوند مخاصمه کنند شکسته خواهند شد، و خدا «بر ایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد.» و فراتر از این، حنا مطمئن بود که خدا «اقصای زمین را داوری خواهد نمود.» او با داوری همه اقوام، اقتدار سلطنتی خود را به فراتر از مرزهای اسرائیل گسترش می‌داد. اما همچنین دقت کنید که چطور حنا باور داشت که خدا پادشاهی خود را در سراسر جهان گسترش خواهد داد. او این کار را با «به پادشاه خود قوت» بخشیدن و بلند کردن «شاخ مسیح خود» در پیروزی بر دشمنانش انجام می‌داد. پیش از زمان سموئیل، اسرائیل هرگز یک پادشاه انسانی نداشت. اما نویسنده ما از طریق سخنان ستایش‌آمیز حنا، مهم‌ترین نقش سموئیل در تاریخ اسرائیل را معرفی کرد. سموئیل از بدو تولدش توسط خدا خوانده شده بود تا اسرائیل را به عصر پادشاهی رهنمون شود.

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۲: ۱۲-۷: ۱۷). دومین بخش از مقدمه سموئیل بر پادشاهی در ۲: ۱۲-۷: ۱۷ یافت می‌شود که روایت انتقال راهبری از عیلی و پسرانش به سموئیل را می‌خوانیم. عیلی و پسرانش، همچنین سموئیل، همگی از سبط لاوی بودند. حال، آخرین باب‌های کتاب داوران به ما می‌گویند که در همین زمان، تعدادی از لاویان به خدا وفادار نبودند و اسرائیل را به سمت نافرمانی از شریعت خدا سوق دادند. و این مسئله در مورد عیلی و پسرانش که در حضور تابوت عهد در شیلوه خدمت می‌کردند نیز صادق بود. اما انتقال راهبری به سموئیل نشان‌دهنده طلوع عصری جدید برای اسرائیل بود. نویسنده ما در این باب‌ها به روشنی بیان کرد که خود خدا به

انتقال این اقتدار در مرکز لویان فرمان داد. خدمت فروتنانه و درست‌کارانه سموئیل به خدا، منجر به ارتقای او به عنوان برجسته‌ترین نبی از سبط لاوی در تمام اسرائیل شد. و هنگامی که سموئیل به این مقام رسید، قوم اسرائیل را وارد دوره جدیدی از تاریخ خود، یعنی دوره پادشاهی، ساخت.

کتاب داوران کتاب جالبی است که می‌گوید خدا در هر زمانی یک داور انتخاب کرد که مانند یک راهبر می‌شد تا اسرائیلی‌ها را در زمان جنگ، حل و فصل اختلافات درونی خودشان و مسائلی از این دست راهبری کند. اما با توجه به اینکه شمشون آخرین داور بود و بعد وارد کتاب سموئیل می‌شویم، در آن زمان، در زمان سموئیل، هیچ داوری وجود نداشت. بنابراین، آنها در آن زمان مانند یک قوم بدون راهبر بودند. اما وقتی نوبت به کتاب سموئیل می‌رسد، درباره چگونگی تولد و سپس راهبری اسرائیلی‌ها توسط سموئیل صحبت می‌کند، از این نظر که او تا حدودی مانند داوران قبلی، یک داور می‌شود تا بتواند آنها را در جنگ، حل و فصل اختلافات، و موارد دیگر راهبری کند.

- کشیش دکتر همفری آکوگرم

نویسنده بعد از ارائه مقدمه سموئیل بر پادشاهی در باب‌های ۱ تا ۷ اول سموئیل، در باب‌های ۸ اول سموئیل تا ۱ دوم سموئیل به پادشاهی شکست‌خورده شائول پرداخت.

پادشاهی شکست‌خورده شائول (اول سموئیل ۸ تا دوم سموئیل ۱)

به طور کلی، نویسنده ما با ارائه یک شخصیت منفی قابل توجه از شائول، تضاد چشمگیری بین او و سموئیل ایجاد کرد. حال، ما از کتاب مقدس و تجربه می‌دانیم که خدا حتی به بدترین گناهکاران نیز فیض عام عطا می‌کند تا حیات آنها به کلی تباه نشود. و نویسنده ما نیز پذیرفت که خدا شائول را برگزید و سموئیل او را به عنوان پادشاه مسح کرد. او همچنین خاطر نشان کرد که خدا شائول را از طریق حمایت تمام اسباط اسرائیل و پیروزی‌های نظامی در اوایل سلطنتش، برکت داد. با این حال، نویسنده ما عمدتاً بر این نکته متمرکز شد که چرا سموئیل حمایت خود از شائول را پایان بخشید و شروع به مخالفت با او کرد. شائول مکرراً علیه خدا سرکشی کرد، و داوری الهی علیه او و خانواده‌اش اجرا شد. گناهان شائول به قدری بزرگ بودند که روحی شریر او را به دیوانگی کشاند، و او بی‌وقفه داوود را تعقیب کرد و قوم اسرائیل را بدون دلیل موجهی آزار داد. این شخصیت منفی از شائول به مخاطبین اولیه سموئیل نشان داد که امید آنها به پادشاهی باشکوه جهان‌شمول خدا، در خانواده شائول قرار نداشت. به همین دلیل، امید آنها به آینده نمی‌بایست بر هیچ پادشاهی به غیر از آن پادشاهی که خدا او را به عنوان جانشین شائول تایید کرده بود، یعنی داوود، قرار می‌گرفت.

سال‌های اولیه شائول (اول سموئیل ۸-۱۵). به طور کلی، پادشاهی شکست‌خورده شائول به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود که در موازات بخش‌های مقدمه سموئیل بر پادشاهی قرار می‌گیرند. این بخش‌ها ابتدا در باب‌های ۸ تا ۱۵ اول سموئیل به سال‌های اولیه شائول و پیش از آنکه داوود به عاملی در زندگی او تبدیل شود می‌پردازند. به طور خلاصه، تمرکز باب‌های مذکور بر این است که چطور شائول با حمایت سموئیل به پادشاهی رسید، اسباب اسرائیل را متحد ساخت، و آنها را در برخی از پیروزی‌های مهم بر دشمنان‌شان راهبری کرد. اما زمان زیادی نگذشت که شائول از خدا روی برگرداند و باعث مشکلاتی برای خودش و اسرائیل شد. در حقیقت او از شریعت موسی و دستورات نبوتی سموئیل چنان آشکارا تخطی کرد که خدا به سموئیل دستور داد تا او و کل خاندانش را از پادشاهی طرد کند. به اول سموئیل ۱۵: ۲۸-۲۹ گوش کنید که اعلان داوری سموئیل علیه شائول و خاندان او را می‌خوانیم:

سموئیل وی را گفت: «امروز خداوند سلطنت اسرائیل را از تو پاره کرده، آن را به همسایه‌ات که از تو بهتر است، داده است. و نیز جلال اسرائیل دروغ نمی‌گوید، و تغییر به اراده خود نمی‌دهد زیرا او انسان نیست که به اراده خود تغییر دهد» (اول سموئیل ۱۵: ۲۸-۲۹).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، خدا پادشاهی اسرائیل را صرفاً به طور موقت از شائول نگرفت. همانطور که سموئیل اعلام کرد، خدا آن را به «همسایه» می‌داد که از شائول «بهتر» بود. و خدا - «جلال اسرائیل» - مانند انسان نبود که «تغییر به اراده خود» بدهد یا آنطور که اغلب ترجمه می‌شود، «پشیمان» شود. فارغ از هرآنچه که در آینده رخ می‌داد، خدا هرگز طرد خاندان شائول از پادشاهی را پس نمی‌گرفت. و همچنین، هرگز تصمیم خود مبنی بر واگذاری تخت پادشاهی اسرائیل به فردی دیگر، یعنی داوود، را نیز عوض نمی‌کرد.

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۱۶ تا دوم سموئیل ۱). نویسنده ما پس از گزارش سال‌های اولیه شائول به این طریق، به سراغ دومین بخش عمده پادشاهی شکست‌خورده شائول رفت؛ یعنی انتقال در راهبری که در اول سموئیل باب ۱۶ تا دوم سموئیل باب ۱ روی می‌دهد.

درست مانند زمانی که خدا انتقال اقتدار لایوانی از عیلی و پسرانش به سموئیل را تایید کرد، انتقال قدرت پادشاهی از شائول به داوود را نیز تایید کرد. در تعدادی از مواجهه‌های بین شائول و داوود، مشخص شد که شائول مستحق مغضوب واقع شدن از سوی خدا بود. او تحت تاثیر یک روح شریر قرار گرفت و به دیوانگی کشیده شد. او بارها از اقتدار سلطنتی خود سوءاستفاده کرد. به شکلی ناعادلانه، در پی قتل داوود بود. و در آخرین مراحل زندگی خود، حتی به مشورت مردگان متوسل شد. در نتیجه، شائول و پسرانش در جنگ با فلسطینیان کشته شدند. اما در تمام این مدت، خدا داوود را برکت داد. داوود بدون عملی اشتباه باقی ماند و رحمت خدا را با فروتنی نسبت به شائول

و وفاداری به خدا پاسخ داد. نویسنده کتاب سموئیل با مقایسه شائول و داوود از این طریق، نشان داد که بدون شک، خدا کاملاً شائول را رد کرده بود و داوود را به عنوان پادشاه اسرائیل جایگزین شائول ساخت.

شائول پادشاه و داوود پادشاه خیلی متفاوت بودند، و برای من، تفاوت اصلی واقعا این است که یکی تجسم معنای پادشاه بد و دیگری معنای پادشاه خوب را نشان می‌دادند. شائول با تمام انتظارات ظاهری از یک پادشاه بزرگ مطابقت داشت. او به عنوان فردی از یک خانواده اصیل توصیف شده است. او به عنوان فردی یک سر و گردن بالاتر از دیگران در قوم اسرائیل توصیف شده است. بنابراین، او با تمام انتظارات ظاهری مطابقت داشت، اما متأسفانه به عنوان پادشاه قوم خدا، به شکل بدی از راه‌های مختلف شکست خورد... او نشان داد که چطور به جای خدا، از انسان می‌ترسید. به طور خاص از سوی خدا به آنها فرمان داده شده بود که یک شهر را ویران کنند، و به آنجا رفتند و با کمک خدا در جنگ پیروز شدند، اما مردان و سربازان، مقداری از غنایم را برای خود نگه داشتند. و شائول پادشاه اجازه آن را داد... و سموئیل برای او روشن ساخت که در نتیجه این امر، پادشاهی از او سلب خواهد شد. اما از طرف دیگر، داوود پادشاه خیلی متفاوت است. برای من جالب است که چطور سموئیل بعداً به خانه یسی، خاندان دیگری در اسرائیل می‌رود و خدا او را به آنجا می‌فرستد تا پادشاه بعدی اسرائیل را مسح کند. بنابراین، سموئیل از یسی می‌خواهد که پسرانش را بیاورد تا هر یک از آنها را ملاقات کند و ببیند که خدا کدام آنها را خواهد خواند. یسی هفت تا از پسرانش را می‌آورد، اما کوچکترین پسر، یعنی داوود را وارد صحنه نمی‌کند. او بیرون، در صحراء، گوسفندان را شبانی می‌کند. اما حتی سموئیل، وقتی که بزرگترین پسر، یعنی الیاب را دید، در همان دام باور به ظاهر افتاد. سموئیل می‌بیند که او چه قد بلندی دارد و ظاهراً، رفتار شاهانه‌ای هم داشته و با خودش فکر می‌کند که «یقیناً مسیح خداوند به حضور وی است.» اما خدا گفت: «به ظاهرش نگاه نکن. انسان به ظاهر می‌نگرد و خداوند به دل می‌نگرد.» خدا هیچکدام از آن برادران را انتخاب نکرد. آنها در نهایت مجبور شدند بروند و کوچکترین پسر، یعنی داوود را، از صحراء بیاورند و خدا روشن ساخت که او همان برگزیده است.

- دکتر داگ فالز

پادشاهی پایدار داوود (دوم سموئیل ۲-۲۴)

بعد از اینکه دیدیم کتاب سموئیل چطور با مقدمه سموئیل بر پادشاهی آغاز می‌شود و با پادشاهی شکست‌خورده شائول ادامه پیدا می‌کند، اکنون باید به آخرین بخش از کتاب‌مان بپردازیم: یعنی پادشاهی پایدار داوود. همانطور که دیدیم، نویسنده ما ناکامی‌های شائول را برجسته کرد تا توضیح بدهد که چرا خدا شائول و خاندان او را از تخت پادشاهی اسرائیل طرد کرد. اما در مقایسه، شخصیت‌پردازی داوود در کتاب سموئیل بسیار متعادل‌تر است. به ویژگی‌های مثبت داوود و دستاوردهای او، مانند پیروزی‌های او در جنگ و فروتنی او در برابر خدا

توجه زیادی می‌کند. اما همچنین آشکارا به شکست‌های اخلاقی جدی داوود و مشکلاتی که برای خانواده‌اش و اسرائیل ایجاد کرد نیز اذعان می‌کند. با این حال، نویسنده ما علیرغم شکست‌های داوود تاکید داشت که خدا او را مورد لطف فراوان خود قرار داد. و به خاطر رحمت خدا، سلسله داوود برای راهبری گسترش پادشاهی خدا در سراسر جهان، پایدار باقی می‌ماند.

روایت پادشاهی پایدار داوود در دوم سموئیل ۲-۲۴ یافت می‌شود. این، طولانی‌ترین بخش کتاب ما است و از الگوی دو بخش اول پیروی نمی‌کند. این بخش به سه قسمت طولانی تقسیم می‌شود: سال‌های اولیه برکت داوود در باب‌های ۲-۹، سال‌های پسین لعنت او در باب‌های ۱۰-۲۰، و خلاصه‌ای از مزایای مستمر پادشاهی داوود در باب‌های ۲۱-۲۴.

برکات اولیه (دوم سموئیل ۲-۹). بخش مربوط به سال‌های اولیه برکت داوود گزارش می‌دهد که او چطور پس از مرگ شائول، ابتدا در حبرون و سپس در اورشلیم به عنوان پادشاه تمام اسرائیل معرفی شد. در سراسر این باب‌ها، خدا داوود و اسرائیل را در پاسخ به وفاداری داوود، برکت داد. داوود به پیروزی‌های بسیاری بر دشمنان اسرائیل دست پیدا کرد. و علیرغم اینکه درون اسرائیل یک سرکشی علیه داوود وجود داشت، پشتیبانی از او حتی از طرف برخی که به شائول و خاندان او خدمت کرده بودند هم افزایش پیدا کرد. اوج برکات سال‌های اولیه داوود، وعده خدا به او مبنی بر این بود که وی را سر خانواده سلطنتی دائمی اسرائیل خواهد ساخت. گوش کنید که خدا در دوم سموئیل ۷: ۱۶ از طریق ناتان نبی چه به داوود گفت:

خانه و سلطنت تو، به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد، و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند (دوم سموئیل ۷: ۱۶).

در اینجا، بر خلاف طرد دائمی شائول و خاندان او از طرف خدا، می‌بینیم که خدا وعده محکمی به داوود داد که خاندان و پادشاهی او تضمین خواهد شد و تخت پادشاهی‌اش برقرار خواهد ماند. و دو بار، خدا تاکید کرد که این «تا ابد» - آد ال‌آم - ۷-۷-۱۶ در عبری - ادامه خواهد داشت.

حال، جای دیگری در باب ۷، خدا هشدار داد که اگر نسل سلطنتی داوود به او پشت کنند، آنها را برای مدتی مجازات خواهد کرد. و این تهدید به طور غم‌انگیزی در تبعید یهودا به واقعیت پیوست. اما خدا، داوود را با این وعده که خاندان او هرگز به طور کلی منقطع نخواهند شد، برکت داد. این خاندان فارغ از اینکه چه اتفاقی در آینده رخ بدهد، پایدار باقی می‌ماند.

لعنت‌های پسین (دوم سموئیل ۱۰-۲۰). در پی این سال‌های اولیه برکت، بخش دوم پادشاهی پایدار داوود در دوم سموئیل ۱۰-۲۰ از سال‌های پسین لعنت او گزارش می‌دهد. این باب‌ها بسیار مشهور و شناخته شده‌اند، چون

شامل بدترین سوءاستفاده‌های داوود از اقتدار شاهانه‌اش هستند: گناه زنا و با بتشیع و قتل اوربای حتی، شوهر بتشیع. به خاطر این سوءاستفاده‌ها، خدا داوود را با مرگ اولین پسر بتشیع لعنت کرد. اما در عین حال، خدا با وجود اینکه هشدار داد مشکلاتی گریبانگیر پادشاهی داوود خواهد شد، به توبه خالصانه داوود با رحمت پاسخ داد. و البته که همینطور هم شد. خاندان داوود و تمام قوم اسرائیل در طول زندگی داوود به خاطر گناه او رنج کشیدند. با این حال، همانطور که در دوم سموئیل ۱۲: ۲۴-۲۵ می‌خوانیم، حتی در این دوره از پادشاهی داوود نیز خدا وعده خود را مبنی بر برخورداری از یک خاندان پایدار به داوود، نقض نکرد. به این قسمت گوش کنید:

بعد از مدتی بتشیع پسری به دنیا آورد و او را سلیمان نامید. خداوند او را دوست داشت و پیامی به وسیله ناتان نبی برای داوود فرستاد تا سلیمان را یدیدیا یعنی محبوب خدا لقب دهد (دوم سموئیل ۱۲: ۲۴-۲۵، ترجمه شریف).

«سلیمان» نام سلطنتی پسر داوود به معنای «مرد صلح» بود. اما خدا از طریق ناتان نبی به او یک نام شخصی داد، یعنی «یدیدیا» که به معنای «محبوب یهوه» بود چون «خداوند او را دوست داشت.» محبت ویژه خدا به سلیمان تایید می‌کرد که رحمت خدا نسبت به داوود و خاندان سلطنتی او ادامه خواهد داشت.

مزایای مستمر (دوم سموئیل ۲۱-۲۴). نویسنده سموئیل پس از توصیف سال‌های مثبت اولیه داوود و سال‌های پسین پردردسر او، خلاصه‌ای از مزایای مستمر پادشاهی او را در دوم سموئیل ۲۱-۲۴ به مخاطبین خود ارائه کرد. بسیاری از مفسرین، این خلاصه را یک «ضمیمه» بر کتاب سموئیل می‌نامند. این بخش شامل وقایعی است که در زمان‌های مختلف پادشاهی داوود رخ داده‌اند و آنها را به جای یک ترتیب زمانی، به طور موضوعی مرتب می‌کند.

در این باب‌ها، می‌آموزیم که خدا از طریق داوود مکاشفات خاصی بخشید که آینده مطمئن و ابدی سلسله او را تایید می‌کردند. خدا همچنین به او جنگجویان توانایی بخشید که پیروزی‌های بزرگی به دست آوردند. و خدا داوود را به عنوان پادشاهی تعیین کرد که شفاعت او باعث آموزش و شفا برای تمام قوم شد. این دستاوردهای مثبت در پایان سلطنت داوود ظاهر می‌شوند تا تاثیری ماندگار بر مخاطبین اصلی کتاب ما بگذارند. فارغ از مشکلاتی که داوود و فرزندان او برای اسرائیل به بار آوردند، مزایای مربوط به حکمرانی داوود از بین نرفتند. لطف خدا نسبت به داوود در تمام طول زندگی او برکاتی را نشان می‌دادند که پادشاهان عادل از خاندان داوود همچنان می‌توانستند برای اسرائیل به ارمان بیاورند. نویسنده کتاب سموئیل، از این مضمون در دوم سموئیل ۲۲: ۵۱ بحث کرد. در این آیه، داوود می‌گوید:

[خدا] نجات عظیمی برای پادشاه خود می‌نماید. و برای مسیح خویش رحمت را پدید می‌آورد. به جهت داوود و ذریت وی تا ابدالآباد (دوم سموئیل ۲۲: ۵۱).

این آیه به اول سموئیل ۲: ۱۰ اشاره دارد. به یاد دارید که نویسنده ما در اوایل کتاب خود به ثبت اطمینان حنّا پرداخت که خدا با ارتقای «پادشاه خود» و پیروزی بخشیدن به «مسیح خود»، «اقصای زمین را داوری خواهد نمود.» اینجا در دوم سموئیل ۲۲: ۵۱، داوود با بیان اینکه خدا «نجات عظیمی برای پادشاه خود می‌نماید» - یعنی پیروزی بزرگی از طریق جنگ - همان اطمینان حنّا را تکرار کرد. و این پیروزی نصیب پادشاه خواهد شد چون خدا به «داوود و ذریت وی تا ابدالآباد» رحمت نشان خواهد داد. اما ستایش داوود یک گام فراتر از ستایش حنّا می‌رود. او دریافت‌کنندگان نجات و محبت پایدار خدا را «داوود و ذریت وی» معرفی کرد، و اعلام کرد که آنها «تا ابدالآباد» این برکات را دریافت خواهند داشت.

نگاه‌مان به ساختار و محتوای کتاب سموئیل، ما را به ویژگی دوم طرح آن هدایت می‌کند: یعنی هدف اصلی کتاب ما. نویسنده ما امیدوار بود که چطور بر مخاطبین اولیه خود تاثیر بگذارد؟

هدف اصلی

وقتی نویسندگان کتابی به طول و پیچیدگی کتاب سموئیل می‌نویسند، اهداف بی‌شماری دارند. آنها کتاب‌های خود را طوری شکل می‌دهند که به مخاطبین‌شان آگاهی ببخشند، طرز رفتار آنها تغییر بدهند، و به روش‌های مختلف بر احساسات آنها تاثیر بگذارند. و کتاب سموئیل هم از این قاعده مستثنی نیست. بخش‌های کوچکتر کتاب ما موضوعات خاص بی‌شماری را مطرح می‌کند که حاوی پیامدهایی برای زندگی مخاطبین اصلی خود بود. اما در عین حال، نویسنده کتاب سموئیل هر بخش کوچکتر از کتاب خود را در هدفی یکپارچه و اصلی تنید که در ذهن داشت.

هدف اصلی نویسنده ما می‌تواند به شکل‌های مختلفی خلاصه شود، اما در این مجموعه دروس، ما هدف او را اینطور خلاصه می‌کنیم:

نویسنده سموئیل توضیح داد که چطور گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید، تا اسرائیل امید خود به پادشاهی خدا را در حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهد.

همانطور که این خلاصه اشاره می‌کند، به طور کلی هدف نویسنده ما دارای دو جنبه بود. از یک طرف او بر این نکته متمرکز شد که چطور گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید. از طرف دیگر،

او دست به قلم برد تا اسرائیل امید خود به پادشاهی را بر حکمرانی عادلانه‌ی خاندان داوود قرار بدهد. بیایید تا از هر دو جنبه‌ی هدف نویسنده‌مان رمزگشایی کنیم.

همانطور که پیش‌تر گفتیم، کتاب سموئیل چیزی را برجسته می‌کند که ما «آن جهان» نامیدیم — یعنی عصری که در آن، خدا اسرائیل را از دوره‌ی داوران به دوره‌ی پادشاهی وارد کرد. متأسفانه، در سراسر عهد عتیق، اسرائیلیان باستان اغلب از آنجا که آنچه خدا در گذشته برای آنها انجام داده بود را فراموش می‌کردند، از راه‌های خدا فاصله می‌گرفتند. و نویسنده‌ی ما با آگاهی از این موضوع، مراقب بود تا گزارشی حقیقی و کاملاً قابل اعتماد از گذشته ارائه بدهد.

لازم به ذکر نیست که برای نویسنده‌مان امکان نداشت تا همه‌ی آنچه که در طول عصر گذار اسرائیل به پادشاهی رخ داده بود را ثبت و گزارش کند. بنابراین، او چنین برگزید که بر دوران زندگی سه راهبر اصلی اسرائیل تمرکز کند: سموئیل، شائول، و داوود. و او به حیات این سه مرد پرداخت تا یک واقعیت تاریخی مهم را به قوم اسرائیل ثابت کند.

همانطور که خلاصه‌مان از هدف توضیح می‌دهد، همه‌ی رویدادها در زندگی سموئیل، شائول، و داوود در زمینه‌ی عهد خدا با داوود به اوج خود رسیدند. تا زمانی که خدا عهد خود با داوود را برقرار نساخته بود، گذار به پادشاهی کامل نشد.

در مجموعه درس‌های دیگر به تفصیل توضیح داده‌ایم که چطور کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا تمام مراحل پادشاهی خود بر روی زمین را از طریق عهدها اداره می‌کند. خدا در آدم و نوح، با تمام بشریت عهد بست. او در ابراهیم، موسی، و داوود با قوم اسرائیل عهد بست. و انبیای عهد عتیق پیشگویی کردند که پس از آنکه تبعید اسرائیل پایان بیابد، خدا عهد تازه‌ای با قوم خود خواهد بست. هر کدام از این عهدها دارای تاکیدات متفاوتی بودند که برای زمان انعقاد آنها مناسب بود. بنابراین، همزمان با اینکه هر عهد شرایط عهدهای قبلی را در خود جا می‌داد، اما در عین حال شرایط عهدهای قبلی را از روش‌های جدیدی به کار می‌بست.

با این حال، به هر روی تمام عهدهای خدا با سخاوتمندی خدا آغاز و حفظ شده‌اند. همه‌ی آنها طالب وفاداری قدرشناسانه‌ی انسان در پاسخ به سخاوتمندی خدا بودند. و همه‌ی آنها، پیامدهای برکت برای اطاعت و لعنت برای ناطاعتی را آشکار ساختند.

به طور کلی، مفسران هم‌عقیده هستند که نبوت ناتان در دوم سموئیل ۷: ۱-۱۷، زمانی بود که خدا عهد خود را با داوود منعقد کرد. اصطلاح «عهد» (یا بریت - בְרִית در عبری) در این متن به چشم نمی‌خورد. اما ناتان این سخنان را در اوج برکات سال‌های اولیه‌اش بیان کرد و این عبارات، شرایط اساسی عهد خدا با داوود را اظهار می‌کردند. علاوه بر این، نویسنده‌ی سموئیل در اواخر کتاب صریحاً به عهد خدا با داوود اشاره کرد. به دوم سموئیل ۲۳: ۵ گوش کنید که داوود اینطور می‌گوید:

لیکن [خدا] عهد جاودانی با من بسته است، که در همه چیز آراسته و مستحکم است (دوم سموئیل ۲۳: ۵).

همانطور که داوود در اینجا بیان می‌کند، خدا یک «عهد جاودانی» (بریت اُلام - ברית לאָלָם در عبری) با او بست. این عهد هرگز پایان نخواهد یافت. این عهد «در همه آراسته» بود و از همین رو «مستحکم» خواهد بود. به عبارت دیگر، عهد خدا با داوود «تضمین» می‌کرد که خاندان او تا ابد بر اسرائیل حکمرانی می‌کردند. همچنان که مزامیر ۸۹ و ۱۳۲ نیز نشان می‌دهند، از این زمان به بعد، خاندان داوود یکی از جنبه‌های دائمی پادشاهی خدا بود.

وعدۀ خدا به داوود در باب ۷ دوم سموئیل، برای تاریخ نجات اهمیت زیادی دارد. به طور کلی، این یک باب محوری در درک تاریخ نجات است... ما در این عهد شاهد چیزی هستیم که عهد داوودی خوانده می‌شود. این عهد بسیار مهمی است که در آن، دیدگاه جدیدی دربارهٔ نجات‌دهنده می‌بینیم؛ که این نجات‌دهنده پسر داوود خواهد بود. اصطلاح «پسر داوود» در کتاب مقدس، یک اصطلاح عادی نیست. هر بار که «پسر داوود» را می‌بینید، لازم است که «پادشاه» را به یاد داشته باشید. داوود پادشاه بود، و در این باب خداوند به او وعده داد که پسرش تا ابد بر تخت، تخت پادشاهی، خواهد نشست. یکی از فرزندان داوود تا ابد بر تخت پادشاهی داوود، پادشاه خواهد بود.

- آقای شریف عاطف فهیم

خدا با تعیین داوود و خاندان او به عنوان سلسلهٔ دائمی اسرائیل، به آنان سخاوت نشان داد اما در عین حال از آنها خدمت وفادارانه نیز طلبید. در نتیجه، آنها در معرض برکات خدا برای اطاعت و لعنت‌های او برای ناطاعتی قرار گرفتند. به دوم سموئیل ۷: ۱۴-۱۵ و شرایط لازم برای سلیمان، اولین وارث تخت داوود، در عهد خدا با داوود گوش کنید:

اگر او گناه ورزد، او را با عصای مردمان و به تازیانه‌های بنی‌آدم تادیب خواهم نمود. ولیکن رحمت من از او دور نخواهد شد، به طوری که آن را از شائول دور کردم که او را از حضور تو رد ساختم (دوم سموئیل ۷: ۱۴-۱۵).

مزامیر ۸۹ و ۱۳۲ نیز حاوی توجه مشابهی به طلب خدا برای وفاداری از سوی فرزندان داوود است. اما در این متن می‌بینیم که خدا خاندان داوود را هنگامی که به گناه بیفتند، تادیب خواهد کرد. او خاندان داوود را «با عصای مردمان و به تازیانه‌های بنی‌آدم» تادیب خواهد کرد؛ به عبارت دیگر، با مشکلاتی از طرف دشمنان آنها.

با این حال، با برقراری عهد خدا با داوود، عصر جدیدی فرا رسیده بود. همانطور که خدا در اینجا گفت، رحمت او از خاندان داوود «به طوری که آن را از شائول دور» کرد، «دور نخواهد شد.» بنابراین، اگرچه خدا شائول و فرزندان او را به طور کلی از تخت پادشاهی اسرائیل طرد کرد، اما صراحتاً گفت که او هرگز با خاندان داوود چنین نخواهد کرد. فارغ از مشکلاتی که داوود و فرزندان او برای اسرائیل ایجاد کردند، اما خاندان داوود تا ابد نماینده قوم اسرائیل در حضور خدا باقی خواهند ماند.

همانطور که پیش‌تر دیدیم، نویسنده ما عهد خدا با داوود را به عنوان نقطه اوج گذار اسرائیل به دوره پادشاهی معرفی کرد. اکنون بیایید به سراغ دومین بخش از هدف اصلی او برویم. او کتاب خود را نوشت تا اسرائیل امید خود به پادشاهی خدا را بر حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهد.

هدف ادبی کتاب سموئیل این بود که نشان بدهد اسرائیل می‌تواند به خاندان داوود اعتماد داشته باشد، فارغ از مشکلاتش، و علیرغم رنجی که خیانت خاندان داوود برای اسرائیل به بار آورده بود. نویسنده می‌خواست نشان بدهد که داوود و خاندان او توسط خدا انتخاب شده بودند تا خاندان حاکم باشند، و سپس از طریق کتاب خود نشان بدهد که اسرائیل باید به خاندان داوود، حتی با وجود شکست‌های آنها، اعتماد داشته باشد.

- دکتر دیوید کوریا

پیش‌تر در این درس آموختیم که نویسنده سموئیل در مورد «آن جهان» گذشته نوشت تا به چالش‌های پیش روی مخاطبین خود در «جهان آنها» بپردازد. و چه آنها در طی دوره پادشاهی تقسیم‌شده زندگی می‌کرده‌اند یا طی دوره تبعید بابلی، یک چیز واضح بود. در طول این قرن‌ها، خدا به خاطر گناهان داوود لعنت‌های زیادی بر قوم خود نازل کرد. آنها متحمل تفرقه، مشکلات اقتصادی، بیماری و شکست در جنگ شدند. و سرانجام قوم خدا و خاندان داوود از سرزمین وعده تبعید شدند.

این مشکلات سوالاتی جدی برای راهبران اسرائیل به وجود آورد. آنها باید چه می‌کردند؟ از چه کسی باید کمک می‌گرفتند؟ بسیاری از آنها امیدشان به روزهای روشن را از دست دادند. دیگران به خود، خدایان دیگر، به اتحاد با دیگر ملت‌ها، به خانواده‌های سلطنتی جدید - یعنی به هر چیزی جز خاندان شکست‌خورده داوود - تکیه کردند. اما نویسنده سموئیل تاکید کرد که تنها یک واکنش وجود دارد که مورد پذیرش خدا است.

برای شروع، آنها نباید امیدشان به پادشاهی خدا را از دست می‌دادند. اگرچه مشکلاتی که مخاطبین اولیه با آنها مواجه بودند این کار را برای عده زیادی در اسرائیل بسیار دشوار می‌ساخت، اما نویسنده ما قویاً تاکید کرد که پادشاهی خدا شکست نخواهد خورد. خدا از زمان‌های بسیار دور آشکار کرده بود که تاریخ زمانی به تقدیر غایی خود خواهد رسید که از طریق خدمت وفادارانه انسان‌ها، حکمرانی خود را بر سراسر زمین برقرار کند. موسی در روایت

خود از عهد خدا با آدم، این اعتقاد بنیادین را تعلیم داد. آدم و حوا به عنوان صورت‌های خدا ماموریت داشتند که زمین را پر کنند و بر آن مسلط شوند، تا شگفتی باغ خدا در عدن را در سراسر جهان گسترش بدهند. خدا در عهد خود با نوح، این ماموریت را مجدداً تایید کرد. این، امتیاز و مسئولیت قوم وفادار خدا بود که در دنیای سقوط کرده زندگی کنند و زمین را تحت تسلط خود در بیاورند و آن را با تصویرهای او پر کنند. خدا در عهد خود با ابراهیم آشکار ساخت که قوم اسرائیل تنها خانواده‌ی روی زمین بودند که برای راهنمایی مابقی بشریت در تبدیل این جهان به پادشاهی خدا انتخاب شدند. خدا در عهد خود با موسی، دوازده سبط اسرائیل را به صورت یک قوم واحد درآورد و آنها را در سرزمین وعده قرار داد. این سرزمین، وطنی شد که از آنجا باید پادشاهی خدا را تا اقصای زمین گسترش می‌دادند. و خدا در عهد خود با داوود، خانه‌ی خاندان سلطنتی خود را بنا کرد که قوم اسرائیل را به سوی این تقدیر غایی رهنمون شوند.

اما زمانی که نویسنده‌ی سموئیل کتاب خود را نوشت، عده‌ی زیادی در اسرائیل برای باور وعده‌های خدا به داوود در کشمکش بودند. قوم اسرائیل با لعنت‌های ویرانگری از جانب خدا مواجه بودند و بانی این مشکلات نیز کسی جز خاندان داوود نبود. بنابراین، جای تعجب نیست که نویسنده‌ی سموئیل در صفحات ابتدایی کتاب خود از اطمینان حتماً درباره‌ی آینده‌ی پادشاهی خدا خبر داد. یک بار دیگر به ستایش حتماً در اول سموئیل ۲: ۱۰ گوش کنید:

آنانی که با خداوند مخاصمه کنند، شکسته خواهند شد. او بر ایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد. خداوند، اقصای زمین را داوری خواهد نمود، و به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید (اول سموئیل ۲: ۱۰).

حتماً امید خود به حکمرانی جهان شمول خدا را از دست نداده بود. او به آنچه خدا در زمانه‌ی او انجام می‌داد نگاه کرد و اطمینان داشت که «خداوند، اقصای زمین را داوری خواهد نمود.» و او به این باور داشت چون می‌دانست که خدا با پیروزی‌های بزرگ «به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید.» نویسنده‌ی سموئیل در تمام طول کتاب خود، مخاطبین اولیه‌اش را فراخواند تا از نمونه‌ی حتماً پیروی کنند. آنها نباید از امیدشان دست می‌کشیدند. علیرغم آزمایش‌هایی که اسرائیل با آنها روبرو بود، آنان باید اطمینان خود نسبت به اینکه پادشاهی خدا از طریق پادشاه برگزیده‌ی خدا، مسح شده‌ی او، در سراسر جهان گسترش خواهد یافت را احیا می‌کردند.

حال، یک ویژگی بسیار مهم در مورد این امید برای پادشاهی خدا وجود دارد که کتاب سموئیل آشکار می‌سازد. همانطور که خلاصه‌ی ما از هدف کتاب بیان می‌کند، امید اسرائیل باید بر حکمرانی عادلانه‌ی خاندان داوود

قرار بگیرد. نویسنده ما تاکید کرد که آینده پادشاهی خدا در خاندان داوود، و نه هیچ خاندان دیگری، قرار دارد. اما فراتر از این، خدا چنین مقرر کرد که این آینده پر جلال در حکومت عادلانه خاندان داوود باشد.

همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، نویسنده ما توضیح داد که عهد خدا با داوود، اوج گذار اسرائیل به دوره پادشاهی بود. و این عهد چنین مقرر ساخت که فرزندان داوود فارغ از هر آنچه که انجام بدهند، هر چقدر هم که از خدا دور شوند، خدا خاندان دیگری را جایگزین این خاندان نخواهد ساخت. وقتی در نظر داشته باشیم که شکست‌های پسران داوود یکی پس از دیگری چه مشکلاتی برای مخاطبان اصلی به بار آورد، می‌توان درک کرد که چرا نویسنده سموئیل مجبور به تاکید بر این باور بود. چطور کسی در اسرائیل، حتی وفادارترین افراد آن، می‌توانستند باور کنند که این خانواده سلطنتی چیزی به جز رنج بیشتر تحت داوری خدا برای آنها داشته باشد؟ با این حال، نویسنده سموئیل اصرار داشت که اسرائیل نباید به پادشاهان اقوام دیگر روی بیاورد و به خدایان دروغین آنها خدمت کند. اسرائیل نباید حتی به سایر پادشاهان درون اسرائیل متوسل می‌شد - نه به فرزندان شائول، نه به عده زیاد پادشاهانی که بر پادشاهی شمالی حکومت می‌کردند؛ به هیچکس غیر از پادشاهانی که از خاندان داوود برخاسته بودند.

البته این اطمینان به خاندان داوود به معنای آن نبود که خدا برکات را بر قوم خود نازل خواهد کرد و پادشاهی خود را از طریق هر پادشاهی از خاندان داوود تا اقصای زمین بسط خواهد داد. به هیچوجه اینطور نبود. نویسنده سموئیل روشن ساخت که خود داوود نیز هنگامی که از شریعت خدا تخطی کرد، تحت لعنت‌های خدا قرار گرفت. علاوه بر این، نویسنده ما و مخاطبین اولیه او می‌دانستند که مشکلات تقسیم پادشاهی و تبعید به دلیل شکست‌های پسران داوود گریبانگیر آنها شده است. بنابراین، نویسنده مان تاکید کرد که اسرائیل باید منتظر پسری از داوود باشد که فرامین خدا را اطاعت می‌کند - یک پسر داوود که به عدالت حکمرانی می‌کند. گوش بدهید که نویسنده ما چطور امید اسرائیل را در دوم سموئیل ۲۳: ۳-۵ آشکار ساخت. در «آخرین سخنان داوود» اینطور می‌خوانیم که:

خدای اسرائیل سخن گفت؛ صخره اسرائیل مرا گفت: آن که عادلانه بر مردم حکومت کند، و خداترسانه حکم برآند، همچون روشنایی صبح است، مانند نخستین پرتوهای خورشید در صبح بی‌ابر، و چون برق سبزه‌های روی زمین پس از بارش باران. آیا خانه من با خدا چنین نیست؟ او با من عهد جاودانی بسته است، که در همه چیز آراسته و مستحکم است (دوم سموئیل ۲۳: ۳-۵، ترجمه هزاره نو).

داوود در اینجا با اشاره به قطعیت آنچه در نظر داشت بگوید آغاز کرد. آنچه می‌گفت، نظرات او نبودند، بلکه سخنان «خدای اسرائیل» و «صخره اسرائیل» بودند. داوود ادامه داد و اعلام کرد که اسرائیل باید مشتاق پادشاهی باشد که برکات خدا را برای آنها خواهد آورد. همانطور که او در اینجا بیان می‌کند، چنین پادشاهی مانند «روشنایی

صبح» بعد از ظلمت طولانی شب، مانند زمانی که در آسمان بی ابر «آفتاب طلوع نماید»، و مانند «باران» است که باعث رویش گیاهان می‌شود. و آنها چنین پادشاهی را در کجا می‌توانستند پیدا کنند؟ داوود پاسخ داد: «آیا خانه من با خدا چنین نیست؟ او با من عهد جاودانی بسته است.»

به خاطر عهد جاودانی خدا با داوود، امکان نداشت که اسرائیل بتواند برکات خدا را در جای دیگری غیر از خاندان داوود پیدا کند. اما این برکات از طریق هر نماینده‌ای در خاندان داوود حاصل نمی‌شد. تنها یک پادشاه از خاندان داوود بود که می‌توانست اسرائیل را از رنج‌های‌شان رهایی بخشد و آنان را به برکات خدا برساند. همانطور که داوود بیان می‌کند، او باید کسی باشد که «عادلان بر مردم حکومت کند، و خداترسانه حکم براند.» فقط یک پادشاه عادل بود که می‌توانست اسرائیل را دوباره در شگفتی رحمت خدا قرار بدهد. بنابراین، تنها امید اسرائیل برای نزول برکات خدا، حکمرانی پسر عادل داوود بود.

تا به اینجا در مقدمه‌مان بر کتاب سموئیل برخی از جوانب مهم پس‌زمینه و طرح کتاب را بررسی کردیم. اکنون به سومین موضوع اصلی درس‌مان می‌پردازیم: کاربرد مسیحی کتاب سموئیل.

کاربرد مسیحی

همانطور که دیدیم، نویسنده سموئیل در زمانی کتاب خود را نوشت که اسرائیلیان باستان تحت داوری خدا متحمل رنج بودند — یا در زمان پادشاهی تقسیم‌شده، و یا در زمان تبعید بابلی. و او کتاب خود را عمدتاً به شکلی طراحی کرد که راهبران اسرائیل بتوانند قوم را راهنمایی کنند تا امید خود را بر خاندان سلطنتی داوود قرار بدهند. البته شناخت هدف نویسنده به ما کمک می‌کند تا بسیاری از ویژگی‌های کتاب او را درک کنیم. اما اغلب اوقات، هنگامی که دانشجویان کتاب مقدس برای اولین بار شروع به تمرکز بر جهت‌گیری اصلی کتاب سموئیل می‌کنند، کاربرد آن در ایمان مسیحی خود را دشوار می‌یابند. ما در موقعیتی متفاوت با مخاطبین اولیه این کتاب زندگی می‌کنیم. ما از طریق عهدی تازه در مسیح به خدا وابسته هستیم. و قوم خدا اکنون در بین تمام ملت‌های زمین پراکنده شده‌اند. بنابراین، کتاب سموئیل چه ارتباطی می‌تواند به ما داشته باشد؟ ما به عنوان ایمانداران عهد جدید، برای به‌کارگیری کتاب سموئیل باید چه مسیری را دنبال کنیم؟

راه‌های زیادی برای پاسخ به این پرسش‌ها درباره کاربرد مسیحی کتاب سموئیل وجود دارد. اما، زمان تنها به ما اجازه می‌دهد به دو تعلیم کتاب مقدس اشاره کنیم که معنای اصلی کتاب سموئیل را به ایمان ما در عهد جدید مربوط می‌کنند. نخست، مفهوم کتاب مقدسی عهدهای الهی را در نظر می‌گیریم، و دوم، مفهوم پادشاهی خدا را بررسی خواهیم کرد. بیایید با عهدهای الهی شروع کنیم.

عهدهای الهی

ما پیش‌تر در این درس اشاره کردیم که نویسنده کتاب سموئیل، با پنج عهد مهم الهی که خدا قبلاً در تاریخ کتاب مقدس ایجاد کرده بود آشنایی داشت. این عهدها شامل عهدهای خدا با کل بشریت در آدم و نوح، و عهدهای ویژه او با اسرائیل در ابراهیم، موسی، و داوود بودند. او همچنین از این مسئله نیز آگاه بود که انبیای اسرائیل عهد دیگری را پیش‌بینی کرده بودند – عهد تازه‌ای که خدا پس از پایان تبعید اسرائیل با قوم خود منعقد می‌ساخت. ما اغلب این عهد را تحت عنوان «عهد تازه» توصیف می‌کنیم. این عهد آینده به صراحت طی دوره پادشاهی تقسیم‌شده در هوشع ۲: ۱۸ و همچنین در متون متاخری مانند اشعیا ۵۴: ۱۰؛ حزقیال ۳۴: ۲۵، و ۳۷: ۲۶ مورد اشاره قرار گرفته است.

مقدمه سموئیل بر پادشاهی (اول سموئیل ۱-۷)

حال، اولین بخش کتاب سموئیل – مقدمه سموئیل بر پادشاهی – از واژه «عهد» استفاده نمی‌کند. اما نویسنده ما هر رویدادی در این بخش از کتاب خود را تحت شرایط عهدی بیان کرد که خدا در کوه سینا با موسی منعقد کرده بود. به طور خلاصه، عهد موسی بر پایه سخاوتمندی خدا نسبت به اسرائیل به عنوان قومی که در سرزمین وعده زندگی می‌کردند، تمرکز داشت. این عهد، الزامات وفاداری بشری از طرف قوم را بر اساس شریعت موسی بیان کرد. و توجهات را به سوی پیامدهای لعنت و برکاتی که در واکنش به نافرمانی و اطاعت آنها نصیب قوم می‌شد جلب کرد.

به طوری که در درس‌های بعدی خواهیم دید، نویسنده ما در مقدمه سموئیل بر پادشاهی، به ویژه بر سخاوتمندی خدا در برانگیختن سموئیل به عنوان راهبر تازه اسرائیل تمرکز کرد. او همچنین از معیار شریعت موسی برای وفاداری انسان، به ویژه قوانین موسی برای پرستش حمایت کرد. و به بیان پیامدهای لعنت و برکت برای ناطاعتی و اطاعت از این معیارها پرداخت. او توضیح داد که چطور لعنت‌های خدا به دلیل عدم اطاعت بر خانواده عیلی نازل شد و نیز چگونه نافرمانی آنها باعث لعنت بر قوم اسرائیل شد. و او همچنین توضیح داد که چطور به دلیل اطاعت حنا و سموئیل از شریعت خدا برای پرستش، برکات او بر آنها قرار گرفت و چطور اعمال آنها به برکت برای اسرائیل منجر شد.

پادشاهی شکست‌خورده شائول (اول سموئیل ۸ تا دوم سموئیل ۱)

علاوه بر این، نویسنده ما همچنین در بخش دوم کتاب خود – پادشاهی شکست‌خورده شائول – به عهد خدا در موسی استناد کرد. همانطور که در درس‌های بعدی بیشتر در این باره بحث خواهیم کرد، در این بخش از کتابمان، خدا با پذیرش دعای درخواست آنها برای پادشاهی، سخاوتمندی خود را به اسرائیل نشان داد. نویسنده ما

تمرکز خود بر الزام وفاداری انسان را گسترده‌تر ساخت تا نه تنها شامل قوانین موسی برای پرستش، بلکه شامل مقررات او در برابر سوءاستفاده از قدرت سلطنتی نیز بشود. نویسنده ما در اینجا لعنت‌های خدا بر ضد شائول به دلیل نافرمانی او را آشکار ساخت و اینکه چگونه کارهای شائول منجر به لعنت اسرائیل شد را نیز ثبت کرد. او همچنین برکات خدا به داوود را برجسته ساخت و توضیح داد که چطور اعمال داوود منجر به برکات قوم اسرائیل شد.

پادشاهی پایدار داوود (دوم سموئیل ۲-۲۴)

نویسنده ما در سومین بخش کتاب سموئیل - یعنی پادشاهی پایدار داوود - عهد خدا با داوود را برجسته ساخت. در این عهد، خدا پویایی عهد خود در موسی را مجدداً تنظیم کرد تا مرکزیت جدید داوود و خاندان او را نشان دهد. همانطور که در درس‌های بعدی‌مان به وضوح خواهیم دید، نویسنده ما توجه خود را به این حقیقت معطوف کرد که خدا با تعیین خاندان داوود به عنوان سلسله دائمی اسرائیل، سخاوتمندی عظیمی به اسرائیل نشان داد. البته، معیارهای شریعت موسی به ویژه مقررات او درباره پرستش و پادشاهی هنوز پابرجا بودند. بنابراین، نویسنده ما تمرکز خود را بر لزوم وفاداری انسان در مقررات موسی برای پرستش و محدودیت‌های وضع شده در برابر سوءاستفاده از اقتدار سلطنتی ادامه داد. اما تعیین خاندان داوود از سوی خدا به عنوان سلسله سلطنتی دائمی اسرائیل، عمیقاً بر چگونگی اجرای پیامدهای عهدهای خدا از سوی او تأثیر گذاشت. از آن زمان به بعد، داوود و خاندان او نماینده هر دوازده سبط اسرائیل در حضور خدا بودند. و در نتیجه، برکات و لعنت‌هایی که اسرائیل دریافت می‌کردند، شدیداً به اطاعت یا ناطاعتی خاندان داوود بستگی داشت.

توجه نویسنده ما به پویایی عهدهای خدا در موسی و داوود، پیوندهایی اساسی بین کتاب سموئیل و ایمان مسیحی فراهم می‌کند. ما این ارتباطات را با جزئیاتی بیشتر در دیگر مجموعه دروس توضیح داده‌ایم، اما ارائه خلاصه‌ای از آنها در اینجا مفید است. بر اساس تعالیم عهد جدید، عهد تازه با تمرکز بر نقش ویژه‌ای که عیسی در تاریخ کتاب مقدس ایفا می‌کند، به تنظیم مجدد پویایی عهدهای پیشین خدا می‌پردازد. عیسی به عنوان وارث غایی و عادل تخت داوود، نشان‌دهنده بزرگترین سخاوت خدا نسبت به قوم خود در زمان مشکلاتی وحشتناک بود. عیسی تمام معیارها برای وفاداری بشر را از طریق زندگی پر رنج و مرگ خود بر صلیب، محقق ساخت. و به خاطر اطاعت کامل و بی‌عیب خود، در رستخیز و صعودش برکاتی بی‌پایان از پدر دریافت کرد.

خدا در دوم سموئیل باب ۷ یک وعده بزرگ و شگفت‌انگیز به داوود داد که اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت، چون تمام تاریخ نجات را بعد از آن شکل می‌داد... این وعده، عیسی مسیح را پیشگویی کرد که از نسل داوود بود و هیکل بزرگتر را بنا کرد، نه هیکلی ساخته شده از سنگ، بلکه هیکل قوم خدا، یعنی کلیسا... و این عیسی مسیح، که از نسل داوود است، از مرگ برخاست و تا ابد بر پادشاهی داوود حکمرانی خواهد کرد. بنابراین، وعده باب ۷ دوم سموئیل

بسیار گسترده بود و بقیه عهد عتیق و همچنین دیدگاه عهد جدید را شکل داد، که بیش از یک بار، در قسمت‌های مهم، می‌گوید عیسای مسیح از نسل داوود است.

– کشیش دکتر عماد میکائیل

بنابراین، همانطور که کتاب سموئیل نقش مهم عهد راهبران اسرائیل، یعنی سموئیل، شاول، و داوود را تصدیق می‌کند، ما نیز باید مسیح را به عنوان واسطه بی‌نقص عهد جدید تصدیق کنیم. کتاب سموئیل، نمونه‌های زیادی از هر دو دسته راهبران اسرائیلی ارائه می‌دهد که هم از الزام خدا برای وفاداری بشری نافرمانی، و هم از آن پیروی می‌کردند. اما عیسی به عنوان پسر ارشد داوود، در تضاد کامل با تمام نمونه‌های نافرمانی در کتاب سموئیل قرار دارد. علاوه بر این، کمال غیر قابل مقایسه عیسی نیز بسیار فراتر از هر نمونه اطاعت در کتاب سموئیل است. به همین دلیل است که عهد جدید از ما می‌خواهد تا تمام امیدمان را بر عیسی قرار بدهیم. و عیسی آن برکات ابدی که خدا در داوری نهایی خواهد بخشید را به تمام ایمانداران حقیقی عطا خواهد کرد.

به علاوه، کتاب سموئیل همچنین به پویایی عهد خدا در زندگی روزانه هر اسرائیلی باستان اشاره می‌کند. و به طریقی مشابه، عهد جدید نیز توضیح می‌دهد که چطور پویایی عهد جدید در زندگی روزمره پیروان مسیح اعمال می‌شود. پیش از بازگشت مسیح در جلال، هر نمایش سخاوتمندی خدا نسبت به قوم خود در کتاب سموئیل راه‌های مشابهی را به ما یادآوری می‌کند که خدا به کلیسای خود سخاوتمندی نشان می‌دهد. هر الزام وفاداری بشر در کتاب سموئیل به ما یادآوری می‌کند که چطور عهد جدید نیز از ما می‌خواهد که وفاداری قدرشناسانه خود نسبت به خدا را برای آنچه که در مسیح برایمان انجام داده است را نشان بدهیم. و هر بار که کتاب سموئیل از لعنت‌ها و برکات موقتی که بر اسرائیل نازل شدند خبر می‌دهد، می‌توانیم به این فکر کنیم که چطور مسیح نیز با حکمت بی‌نظیر خود، لعنت‌هایی موقت برای تادیب کلیسای خود و برکاتی موقت برای پاداش به کلیسای خود نازل می‌کند. بنابراین، هنگامی که کتاب سموئیل را در پرتو تعالیم عهد جدید مطالعه می‌کنیم، فرصت‌های زیادی برای به‌کارگیری آن در زندگی روزمره خود می‌یابیم.

کاربرد مسیحی کتاب سموئیل تا حد زیادی به دلیل تاکید آن بر عهدهای الهی میسر می‌شود. اما همچنین باید ببینیم که چطور مضمون کتاب مقدسی پادشاهی خدا نیز ما را در به‌کارگیری این کتاب در زندگی روزمره‌مان یاری می‌کند.

پادشاهی خدا

همانطور که گفتیم، نویسنده کتاب سموئیل تمام جوانب کتاب خود را با یک هدف اصلی در ذهن شکل داد. او اسرائیل را به امید بر گسترش پادشاهی خدا از طریق حکمرانی عادلانه خاندان داوود فرا خواند. متأسفانه، بسیاری از مسیحیان امروزی از اهمیت گسترش پادشاهی خدا در ایمان مسیحی غافل شده‌اند. و از همین رو، ما در به‌کارگیری این مضمون برجسته کتاب سموئیل در زندگی خود، دچار مشکل هستیم. اما در واقعیت، مسیح و انبیا و رسولان قرن اولی او یک چیز را کاملاً روشن ساختند: ایمان عهد جدید هرگز امید به پادشاهی خدا را دست‌کم نمی‌گیرد. بلکه بر عکس، در عهد جدید کاملاً واضح است که آن امیدی که نویسنده کتاب سموئیل پیش روی مخاطبین اولیه خود قرار داد در پادشاهی مسیح محقق می‌شود.

برای اینکه ببینیم این موضوع چقدر صحت دارد، باید آنچه را که در اسرائیل بین زمان کتاب سموئیل و عصر عهد جدید رخ داد را در نظر داشته باشیم. کتاب‌های تواریح، عزرا، حجی و زکریا به ما می‌گویند که در حدود ۵۳۸ ق. م. نمایندگان تمام اسباط اسرائیل از بابل به اسرائیل برگشتند. آنها امید زیادی داشتند که زروبابل، نواده داوود، آنها را در احیا و گسترش پادشاهی خدا راهبری کند. اما همین کتاب‌ها روشن می‌کنند که زروبابل در حکمرانی عادلانه شکست خورد. پس از چند دستاورد اولیه تحت راهبری او، چیز بیشتری در مورد او نمی‌آموزیم. قوم اسرائیل به روی گردانی از خدا ادامه دادند و در نتیجه، خدا لعنت‌های بیشتری بر آنها نازل کرد. بخش عمده قوم خدا در خارج از سرزمین وعده باقی ماندند و عدّه معدودی که بازگشتند نیز تحت ظلم و ستم ملل غیر یهودی و خدایان دروغین آنها، رنج کشیدند. به مدت بیش از پنج قرن، بابلی‌ها، مادها و پارس‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها، بر قوم خدا حکومت کردند. هیچ پسر عادلّی از نسل داوود ظهور نکرد و پادشاهی خدا تقریباً از روی زمین محو شد.

با این حال، در طول این قرون همیشه بقیتی از اسرائیلی‌ها وجود داشتند که در ایمان خود راسخ ماندند. آنها می‌دانستند که خدا از طریق انبیای خود وعده داده است که در روزهای آخر، در آخرین مرحله تاریخ، پسری عادل از نسل داوود را برای آنها بفرستد. این پسر عادل، کفاره غایی برای گناه را انجام می‌داد، و خدا او را بر می‌خیزانید تا صاحب تخت پدرش، داوود، بشود. او از تخت داوود، پادشاهی خدا را در سراسر جهان گسترش می‌داد و داوری و برکات ابدی را سبب می‌شد.

و البته، این وعده در قلب انجیل مسیحی قرار دارد — یعنی خبر خوش پادشاهی خدا در مسیح. پس از بیشتر از ۵۰۰ سال انتظار، عیسی، پسر کاملاً عادل داوود، به دنیا آمد. او پادشاه عادل اسرائیل است که پادشاهی خدا را تا به اقصای زمین گسترش خواهد داد.

این تعلیم مرکزی در مورد پادشاهی خدا در مسیح، به ویژه در اذهان نویسندگان عهد جدید برجسته بود. واضح است که این نویسندگان، عیسی را تحقق هر امیدی می‌دیدند که کتاب سموئیل بر خاندان داوود قرار داده بود. برای مثال، لوقا که انجیل لوقا و کتاب اعمال را نوشت، چندین بار به طور صریح به تحقق وقایع کتاب سموئیل

توسط مسیح اشاره کرد. او دو بار از بخش اول کتاب سموئیل - مقدمه سموئیل بر پادشاهی - وام گرفت. در لوقا ۱: ۴۶-۵۵، سرود ستایش مریم در حال انتظار برای تولد عیسی را می‌خوانیم. به آیات ۵۱-۵۳ گوش کنید که مریم این سخنان را بر زبان می‌آورد:

به بازوی خود، قدرت را ظاهر فرمود و متکبران را به خیال دل ایشان پراکنده ساخت. جباران را از تخت‌ها به زیر افکند و فروتنان را سرافراز گردانید. گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر فرمود و دولت‌مندان را تهیدست رد نمود (لوقا ۱: ۵۳-۵۱).

بسیاری از مفسرین اشاره کرده‌اند که این بخش و بخش‌های دیگری از سرود مریم، در موازات سرود ستایش حنا برای تولد سموئیل قرار دارد که در اول سموئیل ۲: ۱-۱۰ دیده می‌شود. حنا اینکه چطور خدا عصر جدیدی را با نزول لعنت بر دشمنانش و برکت بر قوم وفادار خود آغاز کرده، مورد ستایش قرار داد. و مریم نیز این حقیقت را مورد ستایش قرار داد که خدا از طریق تولد پسر او، عیسی، همین کار را انجام می‌داد. به طریقی مشابه، انجیل لوقا برای توصیف سال‌های اولیه عیسی نیز به مقدمه سموئیل بر پادشاهی رجوع می‌کند.

لوقا در انجیل خود ۲: ۵۲ درباره سال‌های کودکی عیسی نوشت:

عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد (لوقا ۲: ۵۲).

حال به اول سموئیل ۲: ۲۶ گوش کنید که اینطور می‌خوانیم:

آن پسر، سموئیل، نمو می‌یافت و هم نزد خداوند و هم نزد مردمان پسندیده می‌شد (اول سموئیل ۲: ۲۶).

این آیه سموئیل را به عنوان فردی توصیف می‌کند که خدا او را به راهبری اسرائیل برانگیخت و واسطه لعنت بر عیلی و پسرانش شد. و لوقا نیز عیسی را تقریباً به همان صورتی توصیف کرد که خدا او را در روزگار عهد جدید به عنوان راهبری برای اسرائیل در نقطه مخالف راهبران سرکش پیشین برانگیخت.

لوقا همچنین از بخش دوم کتاب سموئیل نیز وام گرفت - یعنی بخش پادشاهی شکست‌خورده شائول - تا توجهات را به عیسی به عنوان پسر عادل داوود جلب کند. لوقا در انجیل خود ع: ۱-۵، به ثبت این موضوع پرداخت که چطور فریسیان به تعقیب عیسی پرداختند و او و شاگردانش را به تخطی از قانون سبت متهم کردند. در آیه ۳، عیسی با مقایسه خود و داوود در زمانی که شائول در تعقیب داوود و مردان او بود و آنها از نان مقدس خیمه خوردند،

از اعمال خود دفاع کرد. این روایت را می‌توانیم در اول سموئیل ۲۱: ۱-۶ بخوانیم. همانطور که می‌دانیم، هنگامی که شائول در پی قصد جان داوود بود مورد لعنت خدا قرار گرفت اما خدا داوود را به خاطر بی‌گناهی او برکت داد. بدین ترتیب، لوقا با ذکر اشاره عیسی به کتاب سموئیل، نشان داد که عیسی پسر عادل داوود بود. و در نهایت، لوقا در اعمال ۲: ۱۴-۴۱، از بخش سوم کتاب سموئیل - یعنی پادشاهی پایدار داوود - نیز وام گرفت. او در اینجا روایت خود از موعظه پطرس در روز پنتیکاست را نقل می‌کند. در آیات ۳۰ و ۳۱، پطرس توضیح داد که چرا خدا عیسی را از مردگان زنده ساخت و گفت:

چون [داوود] نبی بود و دانست که خدا برای او قسم خورد که از ذریت صلب او به حسب جسد، مسیح را برانگیزاند تا بر تخت او بنشیند، درباره قیامت مسیح پیش دیده، گفت که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند (اعمال ۲: ۳۰-۳۱).

سخنان پطرس در اینجا به عهد خدا با داوود در دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۳ اشاره دارد که خدا اینطور وعده

داد:

ذریت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت... و سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت (دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۳).

همانطور که لوقا نشان داد، صعود عیسی به تخت خود در آسمان اثبات این بود که عیسی پسر عادل داوود و همانی است که پادشاهی خدا را در سراسر جهان گسترش می‌دهد. مانند دیگر نویسندگان عهد جدید، هر اشاره‌ای که لوقا به کتاب سموئیل انجام داد، بر یک مضمون تاکید می‌کرد: عیسی پسر عادل داوود است که امید اسرائیل مبنی بر گسترش پادشاهی خدا به اقصای جهان را محقق می‌کند.

ماشیح آینده از نسل داوود خواهد بود، چون داوود از سبط یهودا بود؛ یعنی سبطی که به طور خاص در برکت یعقوب قبل از مرگ او ذکر شد و گفت که «عصا» یعنی نماد پادشاهان «از یهودا دور نخواهد شد.» و این نبوت محقق خواهد شد. از سبط یهودا، تنها مسیح است که پادشاهی موافق دل خداست. هنگامی که عیسی متولد شد، این وعده، وفاداری، فیض، نجات خدا، همه را با هم محقق ساخت. خدا به وسیله مسیح، اراده خود برای نجات بشر از طریق فیض را که در عهد عتیق وعده داد بود محقق ساخت، که بشریت از به دست آوردن آن به وسیله شریعت، ناتوان بود.

- کشیش دکتر استفان تانگ

با این حال، همانطور که در دیگر مجموعه دروس با جزئیات دیدیم، لوقا و سایر نویسندگان عهد جدید همچنین روشن ساختند که عیسی این امید را به طور ناگهانی یا یک‌باره محقق نکرد. بلکه در عوض بارها و بارها، نویسندگان عهد جدید توضیح دادند که عیسی پادشاهی خدا بر زمین را در سه مرحله محقق ساخت. او در هنگام تاسیس پادشاهی خود طی اولین ظهورش، تحقق امیدهای کتاب سموئیل را آغاز کرد. طی تداوم پادشاهی خود در طول تاریخ کلیسا به گسترش حکمرانی عادلانه خود ادامه می‌دهد. و هنگامی که عیسی در زمان تکمیل پادشاهی خود در جلال برگردد، پادشاهی خدا را به کمال خواهد رسانید. این دیدگاه سه جانبه در مورد حکمرانی عادلانه مسیح به عنوان پسر داوود، برای ایمان مسیحی به قدری اهمیت دارد که باید همیشه کتاب سموئیل را در پرتو این سه مرحله پادشاهی مسیح به کار ببریم.

تاسیس

در وهله اول، ما به عنوان پیروان مسیح، کتاب سموئیل را با نگاه به تاسیس پادشاهی مسیح در زندگی خود به کار می‌گیریم. عیسی در طول خدمت زمینی خود، تمام الزامات وفاداری بشر را به جا آورد و نجات ابدی را برای همه کسانی که به او ایمان دارند تضمین کرد. در نتیجه اطاعت عیسی، روح خدا او را از مردگان برخیزانید و او به تخت خود در آسمان صعود کرد.

عیسی در تاسیس پادشاهی، نابودسازی قدرت شیطان را آغاز کرد و راه را در سراسر جهان برای نجات مردم از چنگ شیطان گشود. و از تخت خود در آسمان، روح‌القدس خود را به عنوان بیعانه برکات جهان آینده بر کلیسای خویش نازل کرد. بنابراین، وقتی فراخوان کتاب سموئیل خطاب به اسرائیل برای احیای امیدشان بر پادشاهی خدا را می‌خوانیم، باید امیدمان را بر آنچه قرار بدهیم که مسیح پیش‌تر به عنوان پسر ارشد داوود در تاسیس پادشاهی خود انجام داده است.

تداوم

در وهله دوم، باید همچنین آماده باشیم که کتاب سموئیل را در تداوم پادشاهی مسیح در طی تاریخ کلیسا نیز به کار ببریم. بیش از ۲۰۰۰ سال، عیسی حکمرانی عادلانه خود را هر روزه از تخت پادشاهی خود در آسمان گسترش داده است. و در هر لحظه، بیش از پیش امیدهایی را که نویسنده سموئیل در مورد حکومت عادلانه خاندان داوود قرار داده بود محقق ساخت. از طریق موعظه انجیل، مسیح به شکست دادن مخالفان خدا ادامه می‌دهد. او

مردان، زنان، و کودکان بی‌شماری را در سراسر جهان از چنگ پادشاهی تاریکی نجات داده است. می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او در طول تاریخ پیش روی کلیسا نیز به همین کار ادامه خواهد داد. زمانی که مخاطبین اولیه نویسنده سموئیل با دشواری‌های ناامیدکننده روبرو بودند، آنها را فراخواند تا امید خود را بر حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهند. به طریق مشابه، ما نیز باید در طی تداوم پادشاهی مسیح، قلب‌مان را به پیروزی او به عنوان پادشاه معطوف کنیم.

تکمیل

و بالاخره، عهد جدید همچنین به ما تعلیم می‌دهد که کتاب سموئیل را با معطوف ساختن قلوب‌مان به سوی تکمیل پادشاهی مسیح در بازگشت پر جلال او به کار بگیریم. ما نه تنها به گذشته و حال نگاه می‌کنیم، بلکه باید برای تحقق پادشاهی عادلانه مسیح، به آینده نیز نگاه کنیم. هنگامی که مسیح در جلال برگردد، همه دشمنان خدا تحت لعنت‌های ابدی او قرار خواهند گرفت و قوم نجات‌یافته او نیز در خلقت جدید، در پری برکات خدا زندگی خواهند کرد.

همه بخش‌های کتاب سموئیل، به نوعی، برای فراخوانی اسرائیل به احیای امیدهای‌شان نسبت به حکمرانی عادلانه خاندان داوود طراحی شده بودند. و به همین دلیل، همه قسمت‌های کتاب سموئیل ما را فرا می‌خوانند تا امیدمان را به حکمرانی عادلانه‌ای که مسیح در بازگشت پر جلال خود در سراسر آفرینش برقرار خواهد کرد، احیا کنیم.

نتیجه‌گیری

در این مقدمه بر کتاب سموئیل، به پس‌زمینه آن نگاه کردیم و درباره نگارش، تاریخ، و شرایطی که در آن نوشته شد آموختیم. همچنین به این نکته توجه کردیم که چطور کتاب سموئیل برای فراخوانی قوم اسرائیل به احیای امیدشان بر حکومت عادلانه خاندان داوود طراحی شده است. و در نهایت، دیدیم که چطور کاربرد مسیحی کتاب‌مان بر عهدهای الهی تاکید می‌کند و پادشاهی خدا باید ایمان ما را به مسیح به عنوان واسطه بی‌نقص عهد تازه که پادشاهی خدا را به همان شکلی که در آسمان است بر زمین خواهد آورد، تقویت کند.

خدا نخست کتاب سموئیل را زمانی به قوم خود در زمان باستان بخشید که افراد بسیاری در اسرائیل امید خود را از دست داده بودند. مشکلات زندگی ما هم اغلب باعث می‌شوند که امیدمان را از دست بدهیم. اما نویسنده سموئیل، اسرائیل را تشویق کرد تا هر آنچه که باعث انحراف‌شان می‌شود را کنار بگذارند و اطمینان پیدا کنند که پادشاهی خدا به هدف غایی خود خواهد رسید. در حین اینکه می‌آموزیم چطور نویسنده سموئیل، اسرائیل را به این

سو هدایت می‌کند، فرصت‌های زیادی برای کنار گذاشتن هرگونه بار و مانعی در زندگی‌مان خواهیم یافت. عیسی، پسر عادل داوود، آمده است و خدا او را بر تخت پادشاهی خویش قرار داده است. عیسی هر روزه حکمرانی خدا را بیشتر و بیشتر گسترش می‌دهد. و کتاب سموئیل از طریق آنچه که خدا در زندگی سموئیل، شائول، و داوود انجام داد به ما اطمینان می‌دهد که پادشاهی خدا شکست نخواهد خورد. مسیح در جلال باز خواهد گشت تا همه زمین را داوری کند. و همه کسانی که به او ایمان آورده‌اند با او در شگفتی‌های پادشاهی خدا در آینده، حکمرانی خواهند کرد.

واژه‌نامه

ابراهیم: پاتریارک عهد عتیق، پسر تارح، پدر قوم اسرائیل که خدا در باب‌های ۱۵ و ۱۷ پیدایش با او عهد بست و به او وعده نسل‌های بی‌شمار و یک سرزمین ویژه داد.

اد‌الام: اصطلاح عبری به معنای «تا ابد».

آدم: اولین انسان؛ شوهر حوا؛ مردی که خدا عهد بنیادها را با او منعقد ساخت که در آن بشریت می‌بایست زمین را پر می‌ساخت و بر آن مسلط می‌شد.

تبعید بابلی: اخراج و تبعید اسرائیلیان باستان به بابل از حدود ۵۸۶ ق. م. تا ۹/۵۳۸ ق. م.

تلمود بابلی: تاریخچه‌ای از تفاسیر و تعالیم سنتی ربانی.

بتشبع: همسر اوریای حتی و بعد همسر داوود پادشاه؛ مادر سلیمان (از داوود).

بریت: اصطلاح عبری که اغلب به «عهد» ترجمه می‌شود.

بریت‌الام: اصطلاح عبری به معنای «عهد جاودانی».

کتاب یاشر: اثری ناشناس که ممکن است در تجلیل اسرائیلیان قهرمان نوشته شده باشد؛ در یوشع ۱۰:۱۳ و دوم سموئیل ۱:۱۸ از آن نقل قول شده است.

تکمیل: سومین و آخرین مرحله از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ زمانی که مسیح باز خواهد گشت و هدف نهایی خدا برای تمام تاریخ را محقق خواهد کرد.

تداوم: مرحله دوم یا میانی از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ دوره پادشاهی خدا بعد از ظهور اولیه مسیح و پیش از پیروزی نهایی او.

عهد: یک قرارداد حقوقی الزام‌آور که بین دو فرد یا گروهی از مردم، یا بین خدا و شخص یا گروهی از مردم منعقد شده باشد.

داوود: دومین پادشاه اسرائیل در عهد عتیق که وعده یافت نوه او بر تخت پادشاهی وی خواهد نشست و تا ابد حکمرانی خواهد کرد.

دی‌نو: عبارتی لاتین به معنای «نو» یا «کاملاً از ابتدا».

تثنيه‌نویس: بر اساس نقد منبع، سومین منبع ادبی معتبر برای تورات. اغلب D خوانده می‌شود چون این مطالب عمدتاً در کتاب تثنيه به چشم می‌خورند.

تاریخ تثنيه‌ای: (۱۹۴۳) کتابی به قلم مارتین نوت درباره نویسنده‌گی و تاریخ تثنيه، یوشع، داوران، سموئیل، و پادشاهان.

عیلی: کاهن یهودی در خیمه واقع در شیلوه که حنا را برکت داد و سموئیل را بزرگ کرد تا جانشین او بشود؛ پدر دو پسر گناهکار، حُفنی و فینحاس.

القانه: نبی، پدر سموئیل، و شوهر حنا و فننه.

حنا: همسر القانه که به حضور خدا برای یک فرزند دعا کرد و مادر سموئیل شد.

تاسیس: مرحله اول در آخرت‌شناسی آغاز شده؛ به اولین ظهور مسیح و خدمات رسولان و انبیای او اشاره می‌کند.

یهویاکیم: (همچنین یکنیا، کُنیاهو) پسر یهویاکیم و پادشاه یهودا به مدت سه ماه پیش از تسلیم به بابل. **یربعام اول:** اولین پادشاه در حکومت شمالی بعد از تقسیم قوم؛ او با ایجاد بت‌پرستی در دان و بیت‌ئیل، اسباط شمالی اسرائیل را به فساد کشاند.

لاویان: افراد قبیله لاوی؛ به عنوان کاهنان به قوم اسرائیل خدمت می‌کردند.

موسی: نجات‌دهنده و نبی عهد عتیق که اسرائیلیان را در خروج از مصر هدایت کرد؛ مردی که خدا با او «عهد شریعت» ملی را منعقد کرد و کسی که ده فرمان و کتاب عهد را بر اسرائیلیان اعمال کرد؛ همچنین در تبدیل هیئت عیسی همراه الیاس ظاهر شد.

ناتان: نبی و مشاور مورد اعتماد داوود پادشاه.

نوح: مردی که تحت دستورالعمل‌های خدا، یک کشتی ساخت و از سیل نجات پیدا کرد؛ فردی که خدا با او یک عهد عمومی منعقد ساخت که وعده ثبات پایدار طبیعت را می‌داد.

نوت، مارتین: (۱۹۰۲-۱۹۶۸) محقق تاثیرگذار آلمانی که کتاب «تاریخ تنبیه‌ای» و دیگر کتبی را نوشت که فرضیه‌های او در مورد تاریخ اسرائیل را تشریح می‌کرد.

فننه: یکی از همسران القانه که چندین فرزند داشت و به همین دلیل با حنا بدرفتاری می‌کرد.

تاریخ اولیه: تاریخ اسرائیل که دامنه آن از پیدایش تا پادشاهان به استثنای روت است.

سموئیل: نبی، کاهن، و آخرین داور اسرائیل؛ در پاسخ به دعای حنا متولد شد؛ تحت نظر عیلی کاهن بزرگ شد؛ در گذار اسرائیلیان از دوره داوران به زمان پادشاهی آنان را راهبری کرد.

شائول: اولین پادشاهی که از سوی خدا برای حکمرانی بر قوم اسرائیل تعیین شد.

سپتواجنت: ترجمه یونانی عهد عتیق.

سلیمان: پسر داوود پادشاه و سومین پادشاه اسرائیل که به سبب حکمت و ثروت خود مشهور بود؛ مرزهای اسرائیل را گسترش داد و اولین معبد را در اورشلیم بنا کرد.

آن جهان: جهانی که نویسندگان کتاب مقدس درباره آن نوشتند.

جهان آنها: جهان مخاطبین اولیه کتاب مقدس.

اورپای حتی: سربازی وفادار و شوهر بتشیع که به کام مرگ فرستاده شد تا گناه داوود با بتشیع پنهان شود.
زروبابل: نواده داوود و رئیس سبط یهودا که راهبری بازگشت از تبعید را در سال ۵۳۹ ق. م. به عهده داشت و معبد را بازسازی کرد.